

بررسی نقش دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر در انتخاب نوع حجاب (مطالعه موردی: دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان) [◇]

امیر قربان‌پور لقمجانی¹؛ مرتضی کرمی²؛ حمید قربان‌پور لقمجانی³؛ آمنه رضائی⁴؛ معصومه محدثی⁵

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، مقایسه دیدگاه انسان‌شناسی دانشجویان دختر با حجاب مناسب و دانشجویان با حجاب نامناسب بود. **روش:** روش تحقیق حاضر؛ کیفی از نوع تحلیل مضمون بود. بدین منظور، از بین دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان، به طور هدفمند نمونه‌گیری آغاز و تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت. در مجموع تعداد 14 دانشجوی دختر با حجاب مناسب (چادر) و 14 دختر با حجاب نامناسب انتخاب و با آنها به شیوه نیمه‌ساختارمند مصاحبه انجام گرفت و در نهایت، مصاحبه‌ها با روش تحلیل مضمون تحلیل شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که دیدگاه انسان‌شناسی دختران با حجاب مناسب، عمدتاً حول مؤلفه‌هایی نظیر مخلوق بودن و خلیفه‌الله بودن، داشتن روح الهی و کرامت ذاتی، عبد شدن، کسب معرفت و سکینه و داشتن معیار خدایی و پیروی از دستورات دین قرار داشت و تأکید دختران با حجاب نامناسب، پیرامون بی‌قراری و خودشکوفایی، نبوغ، اجتماعی بودن، ساختار پیچیده مغزی، محور بودن فردیت افراد، همنوایی، عرف و الگوگیری در تصمیمات مختلف قرار داشت. **نتیجه‌گیری:** آموزش مبانی انسان‌شناسی اسلامی از دوران کودکی تا بزرگسالی می‌تواند در شکل‌دهی به انواع رفتارها از جمله حجاب اثرگذار باشد.

واژگان کلیدی: انسان‌شناسی، حجاب، تحلیل مضمون، دانشجویان دختر.

◇ دریافت مقاله: 00/05/12؛ تصویب نهایی: 00/09/05.

1. دکترای مشاوره، استادیار گروه علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه گیلان. رشت، ایران (نویسنده مسئول) / نشانی: رشت؛ کیلومتر 5 جاده تهران، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، اتاق 318 / نمابر: 98133369274 / [Email: qorbanpoortafmejani@guilan.ac.ir](mailto:qorbanpoortafmejani@guilan.ac.ir)
2. دکترای مشاوره، استادیار و مدیر گروه تعلیم و تربیت، دانشگاه امام حسین. تهران، ایران.
3. دکترای علوم قرآن و حدیث، استادیار گروه قرآن و حدیث، دانشگاه گیلان. رشت، ایران.
4. کارشناس ارشد مشاوره توانبخشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. تهران، ایران.
5. کارشناس مشاوره، دانشگاه گیلان. رشت، ایران.

الف) مقدمه

حجاب پوششی است که زنان مسلمان استفاده می‌کنند و نماد حیا و عفاف است. حجاب بیانگر باور زن مسلمان به خداست و پوشیدن حجاب، بیانگر هویت زن مسلمان است (ریتا، 2017). حجاب به عنوان عامل بازدارنده انسان از خودآرایی‌های غیر منطقی و بی‌حدومرز، یکی از دستورهای دین مبین اسلام است که حکم آن پس از اتمام کلیه احکام اعتقادی و بنیادی دین، در مدینه بر رسول خدا (ص) نازل شد. نزول حکم حجاب پس از ریشه‌دار شدن اعتقادات، نمود تکاملی بودن این فرمان است. اگر پایه‌ها و بنیادهای اعتقادی بر سنگ بنای محکمی نهاده شده باشد، درک و به کار بردن حجاب، بسیار راحت و سریع صورت خواهد گرفت. (شعبانی فرامرزی و شعبانی فرامرزی، 1389: 96)

حجاب در لغت به معنای پوشش، پرده و حاجب به کار رفته است (ایزدی‌فرد و کاویار، 1389: 35)؛ اما در اصطلاح، عبارت است از پوششی که زن باید در برابر نامحرم رعایت کند و از جلوه‌گری و خودنمایی بپرهیزد (امامی و همکاران، 1393: 456). دین اسلام به مقوله پوشش و حجاب به عنوان یک نیاز ضروری نگریسته است. این تعلق و نیاز به پوشش و استتار بدن، در طول تاریخ بشری و در میان اقوام و ملل مختلف وجود داشته است و امری کاملاً مشهود و بی‌نیاز از تعریف است (حداد عادل، 1384: 64). در همه ادیان به مسئله حجاب و عفاف توجه شده است؛ اما همیشه افراط و تفریط‌هایی نیز وجود داشته است. اسلام، واضح قانون حجاب نیست، بلکه آن را قانونمند و متعادل کرد تا با روحیه و سرشت انسانی زنان سازگار باشد. دلایل عقلی و توصیه‌های دینی بسیاری درباره فواید حجاب وجود دارد که امنیت اجتماعی، سلامت روانی، بهداشت جسمانی و نیز استحکام خانواده از جمله آنهاست. رعایت حجاب ضمن حفظ سلامتی اخلاقی و شخصیتی زن، احتمالاً به وی نقش دفاعی در برابر آسیب‌های فردی و اجتماعی می‌دهد. (احمدی و همکاران، 1389: 98)

پژوهشی در بین دختران بنگلادش نشان داد دخترانی که لباس‌های سنتی و مذهبی را بر لباس‌های غربی ترجیح می‌دهند، در آینده کمتر مستعد آسیب‌های روانی‌اند (بی‌مویی و همکاران، 2008). همچنین یک مطالعه در آمریکا نشان داد زنانی که لباس‌های شان غیر غربی با حجاب پوشیده است، در مقایسه با کسانی که لباس‌های غربی بدون حجاب استفاده می‌کنند، فشار کمتری برای درونی کردن ایدئالهای لاغری گزارش کردند (دانکل و همکاران، 2010). موساپ (2009) در تحقیقی که روی زنان استرالیایی انجام داد، متوجه شد آثار دینداری بر نارضایتی از تصویر بدن با استفاده از لباس‌های ساده، نقش میانجی‌گری داشته است. راست‌منش و همکاران (2009) در مطالعه خود متوجه شدند زنانی که از روش‌های سخت‌تری برای حجاب اسلامی استفاده می‌کردند، رضایت از بدن و عزت نفس بیشتر و نمرات افسردگی کمتری را گزارش کردند و نیز بیان می‌کنند که عادات مذهبی، اثر محافظتی بر سلامت دارد.

89 ♦ امیر قربان پور لقمجانی و همکاران

با وجود اهمیت این مقوله، امروزه فرهنگ حاکم بر جوامع بشری، فرهنگ نیم‌برهنگی و بی‌حجابی است. با نگاهی به اوضاع حجاب در قرون گذشته می‌بینیم که همه زنان، حتی زنان غربی نیز دارای پوشش مناسبی بودند؛ ولی از زمانی که بشر قوانین الهی را که متضمن سعادت دنیوی و اخروی او در همه زمینه‌هاست، کنار زد؛ در انجام فرمانهای الهی از جمله حجاب نیز به صورت انتخابی عمل کرد. (خلیلی و احمدی، 1389: 150)

تاریخ بی‌حجابی به صورت سازماندهی شده به اواخر قرن 19 برمی‌گردد. پس از عصر رنسانس علمی و صنعتی اروپا و نیز جنگ جهانی دوم و انقلاب صنعتی، زمینه لازم برای تشویق زنان برای کنار گذاشتن حجاب فراهم شد. دامنه این اقدامات به تدریج کشورهای اسلامی را فراگرفت و به صورت سلاحی کارآمد برای مقابله با معنویت، اخلاق و سقوط جامعه دینی به کار گرفته شد و استعمارگران در این خصوص از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. (محمدی آشنانی، 1378: 67)

بدحجابی یکی از آسیبهای اجتماعی - فرهنگی است که در سطح و لایه‌های روین جامعه مشهود است و علامت و نمادی از آسیبها و مسائل اجتماعی شدید در عمق و لایه‌های زیرین جامعه یا حداقل زمینه‌ساز آن است. نتایج تحقیقات علمی حاکی از آن است که بین متولیان جامعه در رابطه با کنترل بدحجابی و حدود حجاب، وحدت نظر وجود ندارد و قانون نیز از شفافیت لازم برخوردار نیست و بین قوانین و عرف جامعه با حدود حجاب اسلامی، هماهنگی وجود ندارد (شارع‌پور و همکاران، 1392: 4). به منظور رفع آسیبهای اجتماعی - فرهنگی از جمله بدحجابی که عمدتاً پدیده‌هایی چند بعدی و چند علیتی‌اند، می‌بایست ابتدا آن پدیده‌ها را از زوایای مختلف بررسی کرد تا پس از روشن شدن زوایای مختلف آن بتوان نسبت به تغییر و رفع این پدیده منفی اقدام کرد. مشاهده حجاب بانوان در فضای عمومی جامعه و دانشگاهها نشانگر گسترش فرهنگ بی‌حجابی و نگران‌کننده است. در چند سال اخیر، این معضل و رفع آن به یکی از دغدغه‌های اصلی مسئولان فرهنگی کشور تبدیل شده است؛ به خصوص دانشگاهها به عنوان محیط‌هایی که بیشترین تعداد جمعیت جوان و آینده‌ساز در آن مشغول به تحصیل‌اند، همیشه به عنوان یکی از کانونهای این معضل، مد نظر بوده است؛ هرچند وضعیت دانشگاه نیز تابعی از شرایط جامعه است. به همین دلیل، شورای عالی انقلاب فرهنگی در سند دانشگاه فرهنگی (مصوب 1392)، یکی از مباحث اصلی خود را به موضوع حجاب و عفاف اختصاص داد. در راهبرد 14 این سند با عنوان «تهادینه‌سازی فرهنگ عفاف و حجاب، ساماندهی فضای عمومی دانشگاهها و حفظ شئون محیط علمی»، 14 اقدام برای عملیاتی کردن این راهبرد تدوین شده که یکی از آن اقدامها، حمایت از محیط علمی، پژوهشها و فعالیتهای علمی و کاربردی در زمینه عفاف و حجاب در دانشگاههاست. (خانمی سزواری، 1395)

در رابطه با حجاب و بدحجابی، تحقیقات مختلفی در سالیان گذشته انجام شده است و هر کدام به نحوی در تبیین این دو موضوع، نتایجی را مطرح کرده‌اند. برای مثال، طیبی‌نیا و احمدی (1392) به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین متغیر مکنون عفاف، باور است و پس از آن، التزام عملی و آگاهی قرار دارد.

90 ♦ بررسی نقش دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر در انتخاب نوع حجاب

متغیرهای مکنون حجاب به ترتیب عبارت بودند از: التزام عملی، باور و آگاهی. مولایی و یوسف‌وند (1393) در بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب، به این نتیجه رسیدند که بین استفاده از رسانه‌های جمعی خارجی، تصور از بدن، اعتقادات دینی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده و گرایش به حجاب رابطه وجود دارد. خواجه‌نوری و همکاران (1391) در تحقیق خود پیرامون رابطه گرایش به حجاب و سبک‌های متفاوت زندگی به این نتیجه رسیدند که بین هویت مذهبی و سبک زندگی مذهبی با گرایش به حجاب، رابطه مثبت معناداری وجود دارد. علوی و حجتی (1386) دریافتند که وضعیت دینی و نگرش‌های سیاسی دانشجویان در بدحجابی آنان تأثیرگذار است و وضعیت جسمانی، رشته تحصیلی و وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده بر بدحجابی تأثیری ندارند. زارعی توپخانه و همکاران (1393) به این نتیجه رسیدند که پابندی به حجاب با بهبود تصور از خود ارتباط دارد. شکل‌گیری صحیح هویت در نوجوان موجب می‌شود این افراد، تصویر مثبتی از خود پیدا کنند و در نتیجه، به هنجارهای دینی از جمله حجاب پابندی بیشتری نشان دهند.

نبودن حریم میان زن و مرد، ترویج معاشرتهای بی‌بندوبار و دیدن صحنه‌های تحریک‌آمیز به صورت یک عطش اشباع‌نشده درمی‌آید. اسلام با تعدیل و رام کردن این التهابات از طریق محدود کردن نگاه، پوشش و بالاخره رعایت عفاف در همه زمینه‌ها برای فرد آرامش روحی و روانی به ارمغان می‌آورد (صفرزاده، 1389). در واقع؛ حجاب و پوشش عاملی برای آرامش زن و دور ماندن او از عوامل اضطراب‌زا و در نهایت، ایجاد رضایت وجدان است؛ زیرا حجاب از بسیاری از عوامل ناامنی که در فکر و ذهن است، جلوگیری می‌کند. (رجبی، 1389)

با اینکه در ایران قبل از اسلام هم حجاب در بین زنان ایران باستان رایج بوده و در منابع آمده که حجاب در بین مادها و پارسها وجود داشته و تاریخ نشان داده که حجاب در فارس قدیم وجود داشته است (صادق‌نسب، 1389)؛ اما امروزه شرایط خاصی از نظر فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نسبت به حجاب در جامعه ایران حاکم است. حضور چند برابری زنان در دانشگاهها به عنوان یکی از راههای جامعه‌پذیری آنان (جعفری و حسین‌زاده، 1389) که بنا به گزارشهای رسمی بیش از 65 درصد ورودی دانشگاهها را دختران تشکیل می‌دهند، از یک طرف و آسان شدن مسیر ادامه تحصیل برای آنان از طرف دیگر و نیز تأخیر در ازدواج دختران و مشکلات اقتصادی و فرهنگی در این زمینه، تبلیغات فراوان رسانه‌های بیگانه و الگوسازی زنانی با بدن‌ها و چهره‌های خاص به عنوان زن الگو و ایدئال، راه افتادن برخی از کمپین‌های مجازی در ضدیت با حجاب و گسترش بی‌حجابی (حجاب‌نامتعارف) در بین دختران به ویژه قشر دانشجو، همه نشانگر شرایط خاص اجتماعی ایران معاصر از این حیث است که ضرورت انجام کارهای پژوهشی از این دست را دوچندان می‌کند؛ زیرا با وجود انجام کارهای زیاد در حوزه عفاف و حجاب، هنوز کشور در این زمینه در وضعیت مطلوبی نیست و مشاهدات میدانی در دانشگاهها و محیط‌های عمومی اجتماعی مؤید این مطلب است.

جمع‌بندی نتایج تحقیقات مذکور ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که حجاب به عنوان پوشش انتخابی توسط زنان و دختران، کارکردهای مختلفی برای آنان دارد و نقش باورهای مذهبی و دینی در التزام به حجاب انکارناشدنی است. آنچه دین و باورهای مذهبی و دینی به افراد عرضه می‌کند، ارائه دیدگاه و نگاه جدیدی نسبت به انسان و جهان است. در واقع؛ یکی از تفاوت‌های جدی دیدگاه دینی با سایر رویکردها و مکاتب بشری، در هستی‌شناسی و به تبع آن، انسان‌شناسی است. در جامعه‌شناسی نیز می‌توان تأثیر مستقیم انسان‌شناسی را در نظریه‌پردازی مشاهده کرد. همچنان‌که در راه‌حلهای عملی که یک جامعه‌شناس برای حل بحرانهای اجتماعی (از جمله بدحجابی) عرضه می‌کند، دیدگاههای معرفتی وی در باب انسان به نحو آشکاری ملحوظ است؛ زیرا تا روشن نشود که انسان به طور کلی و در شرایط خاص چگونه موجودی است، هرگونه تبیینی از بحران و عوامل آن و نیز ارائه راه حل برای آن بی‌معناست و هر تصویری که از انسان ارائه شود، با تبیین بحران و ارائه راه‌حل، تناسب مستقیم دارد. (واعظی، 1385: 16)

انسان، همواره در کانون اندیشه بشری بوده است. توجه به انسان، تنها به این سبب نیست که او یکی از موجودات این عالم است و باید شناسایی شود؛ بلکه اهمیت انسان‌شناسی از لحاظ شناخت ماهیت و حقیقت انسان است؛ حقیقتی که گاه در لابه‌لای علوم دیگر گم می‌شود و انسان با وجود همه پیشرفتهای علمی از آن غافل می‌شود. در آموزه‌های تمامی ادیان الهی، شناخت انسان پس از خداشناسی بیشترین اهمیت را دارد؛ تا آنجا که یکی از اهداف اساسی انبیا، توجه دادن انسان به خویشتن بوده است. بسیاری از مشکلات فراروی انسان معاصر به دلیل بی‌توجهی به حقیقت خود و توجه بیش از حد به بعد غیر معنوی خویش است که علت اصلی آن را می‌توان نادیده انگاشتن دین و آموزه‌های دینی درباره انسان دانست (گرامی، 1387: 19)؛ زیرا تفاوت دیدگاههای روان‌شناسان غربی و غیر الهی و دیدگاه دین مبین اسلام درباره انسان‌شناسی، همچون تفاوت دو دیدگاه مختلف در علوم اجتماعی یا نظریه‌های مدیریت نیست. اعتقاد به اینکه انسان پدیده‌ای صرفاً مادی است، به این معناست که زندگی انسان محدود است و بعد از مرگ، نابود می‌شود. اما اگر این اعتقاد وجود داشت که بخشی از انسان غیر مادی است و این نتیجه حاصل شد که بعد اصلی وی همان بعد غیر مادی اوست، لازمه‌اش اعتقاد به جاودانگی و پایان‌ناپذیری عمر انسان است (مصباح، 1391: 42). امام علی (ع) در حکمت 456 نهج‌البلاغه می‌فرمایند: برای جان شما قیمتی جز بهشت نیست. خود را به غیر آن نفروشید (شیروانی، 1390). ملاحظه می‌شود که درک ارزشمندی وجود انسان منتج به ترک گناهان و رفتارهای دون شأن انسان و حرکت به سمت سعادت و رهنمون شدن به بهشت خواهد شد. از لحاظ نظری، هیچ انسانی بدون جهان‌بینی نیست. هر انسانی هستی و جهان را به گونه‌ای فهم می‌کند و در تابلویی که در اندیشه خویش از هستی ترسیم می‌کند، جایگاه ویژه‌ای را به انسان و هستی و سرنوشت او اختصاص می‌دهد. یکی از دغدغه‌ها و دلمشغولی‌های انسان این است که بداند در عالم هستی از چه جایگاهی

92 ♦ بررسی نقش دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر در انتخاب نوع حجاب

برخوردار است. آیا سرنوشت وی به دست خویش و آزادانه رقم می‌خورد؟ آیا وجود و هستی وی محدود به حیات دنیایی است؟ (واعظی، 1385: 14)

گفتنی است که تصور و دیدگاه فرد نسبت به خود با عزت نفس و حرمت خود ارتباط مستقیم دارد (ملازمانی و فتحی‌آشتیانی، 1387) و دیدگاه انسان‌شناسی فرد، زمینه‌ساز خودپنداره و حرمت خود است (سالاری‌فر و همکاران، 1393). افرادی که تصور مطلوبی از خویش‌شان دارند، حرمت خود بالاتری دارند و کمتر به آسیب‌های اجتماعی دچار می‌شوند و شواهد تحقیقی نشانگر اثرگذاری حرمت خود بر حجاب است (سفیدی و همکاران، 1392). برای مثال، تیبّا (2012) نشان داد دانش‌آموزان دخترتری که از حجاب استفاده می‌کنند، خودپنداره مثبت‌تری دارند. فیاض و کمال (2014) نیز در تحقیقی نشان دادند زنانی که از حجاب استفاده می‌کنند، عزت نفس و احساس کنترل بیشتری دارند. همسو با این نظر، در پژوهش امامی و همکاران (1393) مشخص شد عوامل جهان‌بینانه و هویتی که به مسئله شناخت خود به عنوان انسان و هستی مرتبط‌اند، به عنوان مقوله‌های محوری بحث حجاب قابل توجه‌اند. نداشتن شناخت و فقدان جهان‌بینی درست نسبت به ماهیت انسان، نداشتن دیدگاه درست و هویت اسلامی درباره انسان و هدف خلقت او و مادی‌گرایی نسبت به انسان، که مقوله‌هایی انسان‌شناختی‌اند، از جمله عوامل شناختی مهم در زمینه بی‌حجابی‌اند. بر همین اساس و در حوزه عمل، یکی از حیطه‌های مهم و پیشنهادی محققان برای ترویج حجاب، پرداختن به عزت نفس و حرمت خود و حس ارزشمندی زنان و ایجاد هویت درست مبتنی بر دین است که مقوله‌هایی انسان‌شناختی‌اند.

پژوهش خاتمی سبزواری (1395) نشان داد که بین مصرف برنامه‌های ماهواره‌ای، مجازی و اینترنت و نگرش منفی به حجاب و تضعیف سطح پوشش، رابطه‌ای مثبت وجود دارد؛ زیرا یکی از مواردی که ماهواره‌ها روی آن تمرکز دارند، ارائه تصویر مادی‌گرایانه از انسان و هستی و ترویج زندگی مبتنی بر لذتهای این جهانی است. گویی که انسان هیچ ربطی به خداوند ندارد و هیچ هدف غایی در زندگی ندارد و تنها رسالتش در زندگی، پرداختن به لذتهای این جهانی و محسوس است. در همین زمینه، گرمجیان و فولادیان (1392) در بررسی رابطه هویت فرهنگی و اجتماعی با اعتقاد به حجاب در بین دانشجویان، دریافتند که هویت فرهنگی و اجتماعی با اعتقاد به حجاب، رابطه مثبت دارد. پرواضح است که هویت فرهنگی با مذهب و اعتقادات دینی گره خورده است و اگر هویت اسلامی دانشجویان با تکیه بر فرهنگ و مذهب تشکیل شود، می‌تواند در رفتارهای آنان اثرگذار باشد.

همچنین مشاهدات و تجارب نویسندگان این مقاله، در کارهای مشاوره‌ای و بالینی و نیز کلاسهای درس با دانشجویان و مراجعان مختلف، خود‌گویای تأثیر دیدگاه‌های انسان‌شناختی مراجعان بر انواع رفتارها و کنشهای آنان، از جمله: نوع پوشش، نوع نگاه کردن، سخن گفتن، تعاملات بین فردی، سبک‌های فرزندپروری، روابط زناشویی، خشونت‌های خانوادگی، مصرف مواد افیونی و مشروبات الکلی است. از طرفی، امروزه بر خلاف گذشته، مشاوران در کارهای بالینی به ابعاد معنوی و دینی مراجعان نیز توجه

93 ♦ امیر قربان پور لقمجانی و همکاران

می‌کنند؛ زیرا یکی از تکالیف انسان در زندگی، توجه به معنویات است که خود را در قالب مواردی چون: رابطه فرد با خدا، کاری که دین برای فرد انجام می‌دهد، جایگاه انسان در هستی، مسائل مربوط به جاودانگی انسان و زندگی پس از مرگ و معنای زندگی نشان می‌دهد. (یوهانسون، 1393: 33)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، نقش دیدگاه انسان‌شناختی انسان در تمامی این موارد مشهود است. با توجه به اهمیت دیدگاه انسان‌شناسی افراد در رفتارها و کردارهای فردی - اجتماعی و نهان و آشکار، مرور تحقیقات گذشته نشان داده است که هیچ تحقیقی به نقش این متغیر در رابطه با آسیب‌های اجتماعی، از جمله بدحجابی توجه نکرده و افراد باحجاب و بدحجاب را از حیث این متغیر مورد مقایسه قرار نداده است. حتی تحقیقاتی هم که متغیرهای مختلف را در بین دو دسته افراد باحجاب و بدحجاب مقایسه کرده‌اند، عمدتاً شرایط خانوادگی، سن، میزان تحصیلات، وضع اقتصادی و اجتماعی را بین این دو دسته مقایسه کرده‌اند. هر چند برخی از تحقیقات به نقش دین، باورها و آموزه‌های مذهبی توجه کرده و رفتارهای دینی مثل نماز خواندن و شرکت در مراسم دینی را نیز مورد توجه قرار داده‌اند، اما در زمینه مسئله این تحقیق موردی وجود نداشته است. نیک می‌دانیم که پدیده‌های اجتماعی چند وجهی و چند علیتی‌اند و شناخت و حل و فصل آنها مستلزم توجه به این امر است. تحقیق حاضر نیز مدعی شناخت و بررسی یک وجه از وجوه این پدیده است. تغییر و شکل‌گیری یک رفتار آگاهانه، مستلزم توجه به سه مؤلفه شناختی (نگرشی)، انگیزشی (میل) و توانایی و قدرت است (شجاعی، 1399) و با فرض شناخت و تقویت زمینه‌های نگرشی، باید در دو حوزه دیگر نیز کار کرد تا رفتار مد نظر را مشاهده کرد. با توجه به آنچه بیان شد، تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر باحجاب و بدحجاب چگونه است؟ و آیا بین دیدگاه انسان‌شناختی دختران باحجاب و بدحجاب تفاوت وجود دارد؟

ب) ادبیات و پیشینه تحقیق

مروری بر ادبیات نظری نشان می‌دهد که مسئله حجاب در تحقیقات مختلفی مورد توجه قرار گرفته، ولی از حیث نگرش‌های انسان‌شناختی تا کنون بررسی نشده است. با این وجود، در ادامه به نتایج برخی از تحقیقات اشاره می‌شود. پاشازیدی (2015) در تحقیق خود نشان داد زنان مسلمانی که در کشورهای مسلمان همچون امارات زندگی می‌کنند و باورهای مذهبی قوی‌تری دارند، معتقدند بی‌حجابی در مقایسه با حجاب، جذابیت کمتری به زنان می‌دهد و حجاب از این حیث، جذابیت بیشتری برای زنان به ارمغان می‌آورد. همسو با این دیدگاه، تحقیق محمدی (2020) نشان داد زنان ایرانی مهاجر در کانادا که از حجاب استفاده می‌کنند، تمایل دارند هویت خود را به یک مسلمان کانادایی نشان دهند و در مقابل، زنان ایرانی مهاجری که از حجاب

94 ♦ بررسی نقش دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر در انتخاب نوع حجاب

استفاده نمی‌کنند، تمایل دارند خود را یک ایرانی کانادایی معرفی کنند. همین نکته نشانگر این است که حجاب، هویت زن مسلمان است.

سوآمی و همکاران (2014) نشان دادند زنانی که حجاب دارند، تصویر بدنی مثبتی دارند، پیامهای رسانه‌ای درباره استانداردهای زیبایی را کمتر درونی‌سازی می‌کنند و اهمیت کمتری به ظاهر می‌دهند. تاجبخش (1398) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که جهانی‌شدن فرهنگ، فناوری‌های مدرن و ... باعث ورود ارزشهای جدید در جامعه ایران و به مرور زمان باعث تغییر نگرش در خصوص پوشش شده و انگیزه‌ها و شیوه‌های گوناگون حجاب و پوشش را به چالشی اساسی کشیده است. اینتون (2015) در تحقیق خود نشان داد حجابی که برگرفته از باورهای مذهبی است، با سلامت روان رابطه دارد و می‌تواند پیش‌بینی‌کننده بهزیستی روانی باشد.

احمدی و همکاران (1389الف) در تحقیق خود نشان دادند که اعتقاد به حجاب کامل با کاهش انواع آسیب‌پذیری‌ها از جمله گرایش به مدگرایی به میزان 0/80 درصد رابطه دارد. کاوندی و انتصار فومنی (1389) نشان دادند که بین حجاب و سلامت روانی زنان رابطه وجود دارد و پایبندی به حجاب، سلامت روانی زنان را به دنبال دارد. همچنین عظیمیان و بهشتی‌فر (1388) در تحقیق خود دریافتند که حجاب موجب آرامش و امنیت زنان می‌شود. همچنین حجاب، بازدارنده بسیاری از التهابات و هیجانات روحی است.

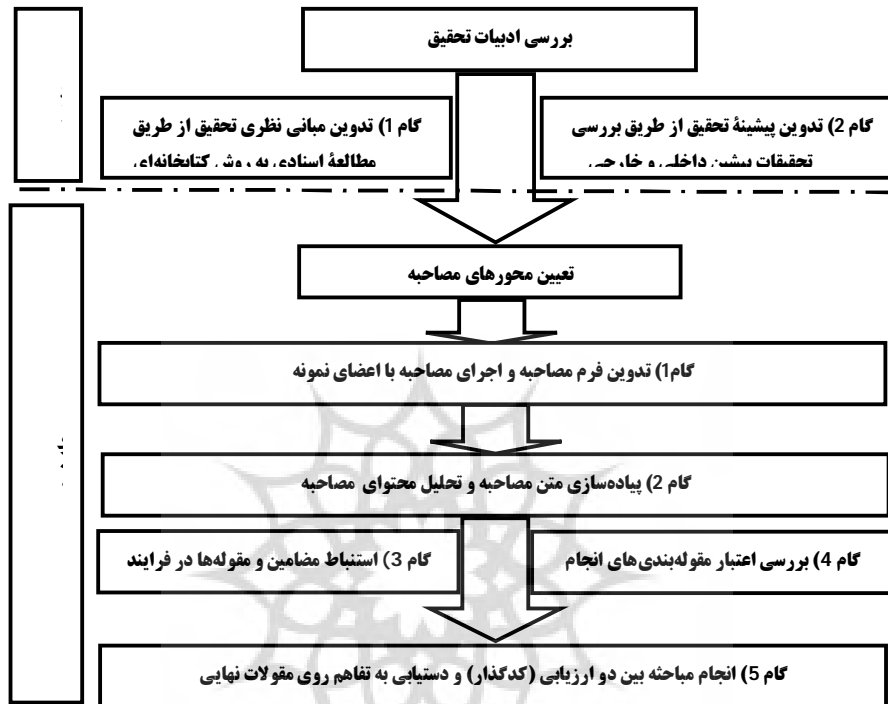
در جمع‌بندی تحقیقات می‌توان گفت که حجاب، کارکردهای مختلف و مثبتی برای زنان و جامعه دارد و باورهای مذهبی و هویت مذهبی افراد می‌تواند زمینه‌ساز گرایش به حجاب باشد. با توجه به اینکه نگرشهای انسان‌شناختی می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت مذهبی و متعاقب آن، نوع انتخاب پوشش شود؛ در تحقیق حاضر نقش و تأثیر نگرشهای انسان‌شناختی بر نوع پوشش دختران دانشجو بررسی خواهد شد.

ج) روش تحقیق

روش پژوهش حاضر، کیفی بنیادی است که تمرکزش بر معنا، فهم و فرایند است و در آن پس از نمونه‌برداری هدفمند، داده‌ها از طریق مصاحبه، مشاهده یا اسناد جمع می‌شود. تحلیل داده‌ها به روش استقرایی انجام می‌شود و یافته‌ها که توصیف واقعیت‌اند، در قالب مضامین و مقولات ارائه می‌شوند. زیربنای این روش، ساخت‌گرایی است که طبق آن واقعیت در تعامل با جهان اجتماعی ساخته می‌شود. در اینجا پژوهشگر به فهم معنای پدیده مد نظر علاقه‌مند است؛ معنایی که انسانها آن را می‌سازند، آن هم به محض درگیر شدن با جهانی که تفسیر می‌کنند. (میرام و تیزدل، 1398: 36)

جامعه این تحقیق شامل دانشجویان دختر با حجاب مناسب و نامناسب دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان بود. برای گردآوری داده‌های تحقیق از روش میدانی استفاده شد. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختارمند بود. با توجه به ماهیت تحقیق، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. لذا برای انتخاب دانشجویان محجبه در وقت نماز به نمازخانه دانشکده مراجعه و پس از گفتگو با دانشجویان و جلب رضایت و تمایل آنان به شرکت در تحقیق، مصاحبه با آنان انجام شد. انتخاب دانشجویان دختر با حجاب نامناسب نیز در همان فضای دانشکده انجام و مصاحبه با آنان نیز در اتاق یکی از محققان انجام شد. منظور از دانشجویان با حجاب مناسب یا محجبه، افرادی‌اند که حجاب را از همان سالیان بعد از بلوغ و بر اساس آگاهی و شناخت انتخاب کرده‌اند و این نکته در مصاحبه مقدماتی با این افراد بررسی شد و تنها در این صورت با این افراد مصاحبه انجام می‌شد. منظور از دانشجویان دختر با حجاب نامناسب نیز دانشجویانی بودند که مانتوهای بسیار کوتاه یا جلو باز بر تن داشتند؛ بخشی از موهای سر یا بدن آنها نمایان بود و اعتقادی نیز به حجاب نداشتند؛ ولی به دلیل الزامی بودن پوشش در محیط دانشگاه، حجاب حداقلی و ضروری را بر تن داشتند که این نکته هم در مصاحبه مقدماتی با آنان بررسی شد. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان، از روش نمونه‌گیری هدفمند (متمرکز بر ملاک) و برای تعیین حجم نمونه، از معیار اشباع نظری داده‌ها استفاده شد. موستاکس (1994) مطرح کرده است که در مطالعات کیفی، تعداد تعیین شده‌ای برای مشارکت‌کنندگان وجود ندارد؛ بلکه زمانی تعداد مشارکت‌کنندگان کامل می‌شود که مضامین جدیدی درباره پدیده مورد بررسی از یک مصاحبه به مصاحبه بعد آشکار نشود (عابدی، 1388). از آنجا که تحقیقات کیفی نوعاً برساختی از واقعیت‌اند و واقعیت یا پدیده مد نظر در طول زمان و از لابه‌لای صحبتها و اسناد به وجود خواهد آمد، لذا نمی‌توان از ابتدا تعداد مشارکت‌کنندگان را مشخص کرد؛ زیرا معلوم نیست در مصاحبه چندم، این واقعیت یا پدیده مد نظر ظهور خواهد کرد (میرام و تیزدل، 1398) و اشباع نظری، ملاک اتمام و کفایت نمونه‌گیری است. با این حال متخصصان بر اساس تجربه معتقدند که باید پس از اشباع نظری نیز نمونه‌گیری را ادامه داد که با احتساب اشباع نظری نیز می‌بایست چند نفر دیگر را نیز اضافه کرد (کرسول، 1396). با این توضیحات، حجم نمونه بر اساس نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس معیار اشباع نظری تعیین شد. استفاده از نمونه‌گیری هدفمند (متمرکز بر ملاک) این اطمینان را به وجود می‌آورد که داده‌ها از افراد کلیدی مطلع جمع‌آوری می‌شود. اشباع نظری هم معیاری است که تعیین می‌کند تا چه وقت باید به روند گردآوری داده‌ها ادامه داد. در واقع؛ نمونه‌گیری و گردآوری داده‌ها هنگامی به پایان می‌رسد که دیگر یافته جدیدی از داده‌های گردآوری شده حاصل نشود. با اتخاذ این رویکرد برای گروه‌های همجنس، حجم نمونه برای هر گروه، 14 نفر تعیین شد. این مراحل را می‌توان به صورت ذیل نشان داد:

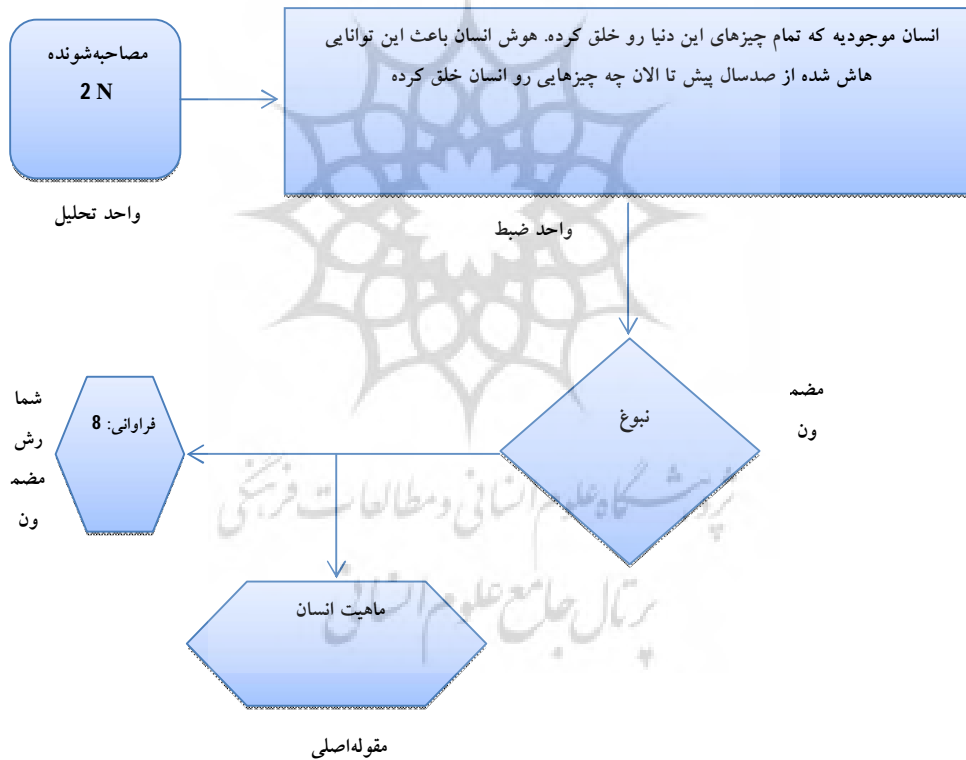
شکل 1: طرح تحقیق



در تحقیق حاضر، روش تحلیل داده‌ها، تحلیل مضمون بوده است. صاحب‌نظران مراحل متفاوتی را برای تحلیل مضمون ارائه کرده‌اند که مهم‌ترین آنها مقوله‌بندی داده‌های تحقیق است. در واقع؛ در اینجا ابتدا کدهای آزاد گردآوری می‌شوند و سپس این کدهای آزاد ذیل مقوله‌ها قرار می‌گیرند و سپس مقوله‌های اصلی به شیوه‌های گوناگونی با یکدیگر قیاس و در ارتباط با هم قرار داده می‌شوند و مرحله تازه‌ای آغاز می‌شود که در سطح بالاتر و انتزاعی‌تر از مقوله‌هاست. در این مرحله، ساخت مضامین اتفاق می‌افتد. در واقع؛ مضمون عبارت است از نتیجه کدگذاری، مقوله‌بندی و تأمل تحلیلی. مضمون در شکل عالی‌اش عبارت است از حکمی که جایگزین ایده‌های مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها می‌شود و آنچه در حال وقوع است را خلاصه می‌کند. (سالدانا، 2013)

97 \diamond امیر قربان پور لقمجانی و همکاران

در تحقیق حاضر، محققان با استفاده از رویکرد مقایسه‌ای مستمر که به طور مداوم به تفکر استقرایی و قیاسی می‌پردازد، ابتدا مؤلفه‌ها را با استفاده از روش استقرایی، از مصاحبه‌های انجام‌شده و کدهای آزاد استخراج کرده و سپس در قالب مقوله‌ها، نهایی کردند. به طور کلی محققان پس از تعیین موضوع، به نمونه‌گیری مبادرت کردند و پس از تعیین مشارکت‌کنندگان تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، در قالب مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به مصاحبه با دانشجویان دختر پرداختند. ابتدا با دانشجویان دختر با حجاب مناسب مصاحبه شد. مصاحبه‌ها ضبط و روی کاغذ ثبت شد. پس از هر مصاحبه، کدگذاری انجام و مقوله‌ها و مضامین استخراج می‌شد. مصاحبه‌ها تا اشیاع نظری ادامه یافت و پس از آن فرایند تحلیل و کدگذاری اتمام یافت. همین روند برای دختران با حجاب نامناسب تکرار شد. خلاصه مراحل در شکل 2 ارائه شده است.



شکل 2: نمای شماتیک تحلیل داده‌ها

1. اعتبار داده‌های کیفی

برای پایایی و تشخیص صحت تحلیل داده‌ها، نتایج توسط مشارکت‌کنندگان و متخصصان بازبینی شد. به منظور تعیین روایی تحقیق (مقبولیت درونی) از شیوه‌های مختلفی استفاده می‌شود که در این تحقیق از شیوه اعتباریابی پاسخ‌دهنده، درگیر شدن مناسب در گردآوری و ثبت داده‌ها و بررسی توسط هم‌تایان؛ و برای تعیین ثبات یا اعتبار تحقیق نیز از بررسی هم‌تایان و ممیزی استفاده شد. یکی دیگر از شیوه‌ها، استناد به نقل قولها در یافته‌هاست که در این پژوهش از آن استفاده شد (میربام و تیزد، 1398). همچنین پس از تحلیل مصاحبه‌ها، مقوله‌بندی و شمارش مقوله‌ها، برای تعیین اعتبار یافته‌های حاصل از این مرحله، از روش تکرارپذیری استفاده شد. در روش تکرارپذیری، فرایند استخراج مقوله‌ها عیناً توسط فرد متخصص دیگری تکرار شد. در این روش، میزان اشتراک مقوله‌های استخراج شده توسط دو متخصص، میزان اعتبار یافته‌ها را نشان می‌دهد. بر این اساس، میزان اعتبار به دست آمده از این روش، 71 درصد شباهت فهرست مقولات دو لیست (پژوهشگر و متخصص) را شامل می‌شد. با انجام مباحثه و گفتگوی انتقادی بین پژوهشگر و متخصص، به منظور شکل‌گیری تفاهم درباره 29 درصد باقیمانده، تلاش شد تا با معیار محورهای پنج‌گانه، لیست نهایی مقوله‌های فرعی تدوین شود. با انجام این فرایند، در نهایت فهرست دیدگاه انسان‌شناسانه دو گروه مصاحبه‌شونده در قالب 170 کد آزاد (هر گروه 85 مقوله)، 47 مقوله (23 مقوله برای گروه با حجاب مناسب و 24 مقوله برای گروه با حجاب نامناسب) و پنج مضمون اصلی برای هر گروه (ماهیت انسان، تمایز با حیوانات، هدف زندگی، انجام انسان و ملاک عمل) استخراج شد.

(د) یافته‌های تحقیق

داده‌های پژوهش حاضر که با روش تحلیل مضمون جمع‌آوری شد، شامل داده‌های کیفی درباره دیدگاه انسان‌شناسی دانشجویان با حجاب مناسب و بدحجاب است. گردآوری داده‌های کیفی این پژوهش با روش مصاحبه صورت گرفت. گردآوری این داده‌ها از طریق مصاحبه با دختران با حجاب و بدحجاب ممکن شد و در مجموع به مدت 21 ساعت اجرا شد. زمان هر مصاحبه بین 25 تا 55 دقیقه متغیر بود. روش انجام مصاحبه‌ها در این پژوهش، روش مصاحبه نیمه‌ساختارمند بود. ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه آورده شده است و سپس فرایند گردآوری داده‌ها و در نهایت، تحلیل داده‌های کیفی (تحلیل محتوای کیفی) ذکر شده است. در مجموع، با 14 نفر از دختران با حجاب و 14 نفر از دختران بدحجاب مصاحبه شد. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی این افراد در جدول 1 آمده است.

جدول 1: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد نمونه تحقیق

ردیف	مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	وضعیت حجاب
1	کارشناسی ارشد	پژوهشگری علوم اجتماعی	مناسب
2	کارشناسی	حقوق	مناسب
3	کارشناسی	مدیریت	مناسب
4	کارشناسی	مدیریت	مناسب
5	کارشناسی	مشاوره	مناسب
6	کارشناسی	الهیات: علوم قرآن و حدیث	مناسب
7	کارشناسی	ادبیات عرب	مناسب
8	کارشناسی	حقوق	مناسب
9	کارشناسی	مدیریت	مناسب
10	کارشناسی	الهیات: علوم قرآن و حدیث	مناسب
11	کارشناسی	علوم تربیتی	مناسب
12	کارشناسی	الهیات: علوم قرآن و حدیث	مناسب
13	کارشناسی	مشاوره	مناسب
14	کارشناسی	جامعه‌شناسی	مناسب
15	کارشناسی	جامعه‌شناسی	نامناسب
16	کارشناسی	جامعه‌شناسی	نامناسب
17	کارشناسی	مشاوره	نامناسب
18	کارشناسی	مشاوره	نامناسب
19	کارشناسی	روان‌شناسی	نامناسب
20	کارشناسی	مشاوره	نامناسب
21	کارشناسی	مشاوره	نامناسب
22	کارشناسی	مشاوره	نامناسب
23	کارشناسی ارشد	مدیریت	نامناسب
24	کارشناسی	جامعه‌شناسی	نامناسب
25	کارشناسی	مدیریت	نامناسب
26	کارشناسی	مشاوره	نامناسب
27	کارشناسی	مدیریت	نامناسب
28	کارشناسی	جامعه‌شناسی	نامناسب

طبق جدول 1، همه اعضای گروه نمونه به جز دو مورد، دانشجوی دوره کارشناسی‌اند. شش نفر از اعضای نمونه در رشته جامعه‌شناسی و پژوهشگری اجتماعی، شش نفر مدیریت، هشت نفر در رشته مشاوره، یک نفر روان‌شناسی، یک نفر ادبیات عرب، چهار نفر الهیات، گرایش علوم قرآن و حدیث، دو نفر حقوق و یک نفر در رشته علوم تربیتی بودند.

در پاسخ به سؤال تحقیق؛ یعنی این سؤال که وجوه تفاوت دختران محجبه با دختران غیر محجبه از نظر روایت‌های انسان‌شناسانه چیست؛ ابتدا واحدهای ضبط از مصاحبه‌های انجام‌شده، ارائه و سپس استخراج،

100 ♦ بررسی نقش دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر در انتخاب نوع حجاب

تحلیل و طبقه‌بندی مقوله‌ها انجام شد. مصاحبه‌های انجام‌شده از نمونه دو گروه با استفاده از روش تحلیل مضمون، تحلیل شد و مقولات مختلفی توسط محققان شناسایی و کشف شدند که اغلب آنها مفاهیم و مضامینی را در برمی‌گرفتند که نشانگر دیدگاه انسان‌شناسانه آنان می‌شد. این فرایند با ارائه واحدهای ضبط و مفاهیم استخراج‌شده از آنها و مرور چندباره صورت گرفت.

یافته‌های مستخرج از کدگذاری مصاحبه‌ها

1. مضامین و مقوله‌های فرعی حاصل از مصاحبه با دانشجویان دختر با حجاب مناسب

تحلیل مصاحبه‌های افراد با حجاب مناسب در مرحله کدگذاری انتخابی منجر به خلق پنج مضمون اصلی ذیل شد: ماهیت انسان (هشت مقوله)، تمایز با حیوانات (چهار مقوله)، هدف زندگی (چهار مقوله)، انجام انسان (سه مقوله)، ملاک عمل (چهار مقوله)؛ که در ادامه به توضیح آنها خواهیم پرداخت. خلاصه مقوله‌ها و مضامین در جدول 2 ارائه شده است.

جدول 2: مقوله‌ها و مضامین مرتبط با دیدگاه انسان‌شناختی دختران با حجاب مناسب

مضامین	مقوله‌ها
ماهیت انسان	موجودی دوبعدی با اصالت روح، ابدیت مثبت و منفی، خلیفه‌الله، کمال در خلقت، کمال‌گرایی بی‌انتهای ظرفی، کرامت ذاتی و اکتسابی و دوستدار اجتماع.
تمایز با حیوانات	عبودیت، ظرفیتهای مثبت و منفی انسان، عقل‌مداری و خودمختاری.
هدف زندگی	عبد شدن، کسب معرفت، سکینه و رستگاری.
انجام زندگی	حیات بی‌پایان ابدی، زندگی اصلی، ادامه‌دار و پایان‌موضوع.
ملاک عمل	داشتن معیار خدایی، عقل، دستورات دین و معیارهای فردی.

مضمون اول: ماهیت انسان

یک (موجودی دوبعدی با اصالت روح: یکی از مقوله‌های ساخته شده پیرامون انسان، دوبعدی بودن انسان بود که در جملات مشخصی به آن اشاره شد. البته دوبعدی بودن مشتمل بر جسم و روح، آن هم با اصالت روح است. بسیاری از مکاتب غربی، بعد غیر مادی انسان را قبول دارند و آن را به احساس و ادراک و فکر (روان) منحصر می‌کنند و در نهایت، آن را ناشی از دستگاه عصبی انسان قلمداد می‌کنند (بوزه و آردیلا، 1396). این در حالی است که از منظر دختران دانشجوی با حجاب مناسب، بعد غیر مادی انسان متوجه روح انسان است که اصالت و بقای انسان نیز متوجه همین بخش است:

«روح مهم‌تر از جسم است. چیزی است که بعد مرگ هم باقی می‌مونه». «جسم مرکب و ابزار تحقق کمالات روحانی و فطری است». «به نظر من انسان موجودی تک‌بعدی نیست و ابعاد مختلفی دارد. هم بعد مادی و غریزی دارد و هم بعد معنوی و روحانی و اخلاقی».

101 ♦ امیر قربان پور لقمجانی وهمکاران

دو) ابدیت مثبت و منفی: در دیدگاه انسان‌شناختی دختران با حجاب مناسب، انسان موجودی ابدی است و زندگی‌اش محصور در دنیا نیست و این زندگی مقدمه‌ای برای زندگی اصيل آخرت است. اگر چه جسم با مرگ از بین می‌رود، اما اصل و حقیقت انسان از بین نمی‌رود:

«انسان یک روز میاد و یک روز هم می‌میره». «انسان موجودیه که پس از مرگ زندگی ابدی خواهد داشت. این ابدیت می‌تونه مثبت باشه، می‌تونه هم منفی باشه. بستگی به اعمال ما در دنیا داره». «روح انسان برخلاف جسم او از بین نمی‌رود و پس از مرگ به حیات خود ادامه می‌دهد».

سه) خلیفه‌الله: در نگرش انسان‌شناختی دختران دارای حجاب مناسب، انسان خلیفه و جانشین خدا روی زمین است. انسان به خداوند متصل است و عصارة صفات الهی است و تنها موجودی است که لیاقت جانشینی خدا را روی زمین دارد:

«انسان به واسطه داشتن روح الهی با خدا ارتباط و اتصال داره». «انسان، چکیده و فشرده و آینه تمام‌نمای خداست». «انسان تنها موجودی است که شایستگی جانشینی و نمایندگی خدا در روی زمین را دارد».

چهار) کمال در خلقت: در نگاه انسان‌شناختی دختران با حجاب مناسب، انسان در خلقت خود دارای کمی و کاستی نیست و هر آنچه برای کمال نیاز دارد، خداوند در او به ودیعه نهاده است و می‌تواند از این ودیعه ذاتی برای رشد و کمال و حرکت در مسیر اهداف بلند خود استفاده کند. انسان موجودی بی‌نظیر است که توسط خداوند آفریده شده و از نظر گرایشی خنثی نیست و با دارا بودن تنوعی از استعدادها و قابلیتها در خلقت خویش کامل است:

«انسان موجودی حیرت‌انگیز هست؛ هم خلقتش و هم به دنیا آمدنش و هم حرکت رشدی انسان نشون میده که چه موجود خارق‌العاده‌ای است». «انسان موجودی است که توانایی‌ها، استعدادها، قابلیتها و توانشهای مختلف و گسترده‌ای داره و اینو همیشه از تنوع استعدادهای آدما فهمیده». «انسان مخلوق خداست و خدا او را آفریده است». «انسان موجودی است که هر چه نیاز داشته، خدا در خلقتش قرار داده و از این حیث هیچ موجودی شبیه به انسان نیست».

پنج) کمال‌گرایی بی‌انتهای: یکی از ویژگی‌های مهم انسان، کمال‌گرایی و میل به حرکت به سمت جلو و رفع کمی‌ها و کاستی‌هاست؛ به گونه‌ای که شاید بتوان گفت انسان در این زمینه هیچ وقت متوقف نخواهد شد و بر خلاف سایر موجودات در این بعد اشباع‌ناپذیر است. در این باره برخی از نظرهای شرکت‌کنندگان عبارت بود از:

«انسان برای رشد و کمال محدودیت و انتهای نداره». «انسان موجودی است که قابلیت رشد و کمال داره و این رو همیشه توی رفتارها و انتخابهای آدما دید». «انسان موجودی است که به واسطه دارا بودن میل به کمال‌گرایی می‌تواند پیشرفت کند و به جاهای بالاتر برسه».

102 ♦ بررسی نقش دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر در انتخاب نوع حجاب

شش) ظرفیتهای فطری: یکی از ویژگی‌های مهم انسان‌شناسی اسلامی، قائل بودن به فطریات است؛ چه از نوع ادراکی و چه از نوع گرایشی. فطریات، آموختنی نیستند و در همه انسانها فارغ از زمان و مکان وجود دارند. دیدگاه دانشجویان دختر با حجاب مناسب نیز با این باور اسلامی همسو بود. آنها معتقد بودند انسان گرایشهای اخلاقی فطری دارد؛ به طور فطری گرایش به پرستش معبود دارد و این ویژگی‌ها در همه انسانها به طور مشترک و ذاتی نهفته است:

«انسانها به طور ذاتی ویژگی‌های مشترکی دارند که مخصوص خود آنها و نوع آنهاست». «انسان بر خلاف سایر موجودات، خدایی دارد که باید او را عبادت کند؛ چون خداوند معبود انسان است». «انسان ظرفیتهای اخلاقی بالایی دارد و این یکی از ویژگی‌های عالی انسان است».

هفت) کرامت ذاتی و اکتسابی: از جمله ویژگی‌های انسان از منظر دانشجویان با حجاب مناسب، ارزشمندی ذاتی و تکوینی است که می‌تواند به ارتقای جایگاه انسان منجر شود و در صورت ضایع شدن این زمینه‌های الهی، انسان می‌تواند دچار تنزل شود:

«انسان در بین تمامی مخلوقات از رتبه و جایگاه بالاتری برخوردار است». «انسان اشرف مخلوقات است و البته همین انسان در عین اینکه می‌تواند بالا رود، می‌تونه از حیوانات هم رذل‌تر و بدتر بشه».

هشت) دوستدار اجتماع: در نگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر با حجاب مناسب، انسان موجودی اجتماعی است که نمی‌تواند بدون اجتماع زندگی کند. در عین حال، نسبت به دیگران همدلی و همدردی دارد و به آنان کمک می‌کند:

«انسان موجودی دل‌رحم و دلسوز است و نسبت به حوادث ناراحت‌کننده بی‌تفاوت نیست». «انسان موجودی است که به هموعان خدمت می‌کند». «انسان موجودی است که در اجتماع زندگی می‌کند و نیاز به اجتماع دارد».

مضمون دوم: تمایز با حیوانات

یک) عبودیت: انسان به دلیل داشتن گرایشات فطری خاص از جمله میل به پرستش و عبادت و نیز اتصال به خداوند و داشتن رابطه از اوایی به دلیل نفخه روح الهی در وی، نیاز به ارتباط و اتصال مداوم با خدا در قالب انواع عبادات دارد:

«انسان بر خلاف حیوانات چون روح الهی دارد، لذا به منبع لایزال و بی‌انتهای خدایی وصل است». «من معتقدم انسانها موجودات رهاشده‌ای نیستند. هم از خدا هستند و هم به سمت او برمی‌گردند. قرآن هم می‌گه انا لله و انا الیه راجعون». «انسان بر خلاف حیوانات، خدا را عبادت و بندگی می‌کند».

دو) ظرفیتهای مثبت و منفی: بر خلاف حیوانات که فقط وجه غریزی هدایتگر رفتارهای آنهاست، در انسان ابعاد متعالی دیگری مانند فطریات و عقل وجود دارد که می‌تواند زمینه‌ساز رفتارهای متعالی شود. برای مثال، حیوان تشخیص نمی‌دهد که مشغول خوردن علف از باغ همسایه است؛ زیرا قوه تشخیص ندارد؛

103 ♦ امیر قربان پور لقمجانی و همکاران

در حالی که انسان توان تشخیص برخی از خوبی‌ها و بدی‌ها را دارد. در عین حال، همین انسان در صورت بی‌توجهی به فطریات و وجه متعالی خویش می‌تواند تا حدی در رذالت پیش رود که از حیوانات هم بدتر شود. در نتیجه، انسان، هم امکان بالارفتن دارد و هم امکان سقوط:

«حیوان فقط غریزه دارد، اما انسان علاوه بر غریزه، ابعاد متعالی و ارزشمندی همچون عقل و فطرت دارد». «انسان بر خلاف حیوانات توانایی کسب علم و حکمت و دانش را دارد». «انسانها می‌توانند صحبت کنند و از قدیم گفتند انسان حیوان ناطقه». «انسان توان تشخیص خوب و بد رو داره؛ چیزی که حیوانات ندارند». «انسان فرقتش با حیوان اینه که می‌تونه اینقدر بد بشه و کارهایی بکنه که حتی حیوانات هم نمی‌تونن انجام بدن». «به نظر من انسان ذاتاً موجود ارزشمندیه و بر حیوانات برتری داره».

سه) عقل‌مداری: در نگاه دانشجویان دختر با حجاب مناسب، انسان بر خلاف حیوانات، کارهای خودش را بر اساس عقلانیت قرار می‌دهد و نسبت به نتیجه عمل، تحلیل می‌کند و آینده‌نگری دارد. انسان بر خلاف حیوانات الگوهایی دارد که می‌تواند راجع به رفتارهای آنها فکر کند و در صورت نیاز از آنها پیروی کند. انسان در مقایسه با حیوان، قدرت تحلیل، درک و شعور بالاتری دارد:

«انسان موجودی عقلانی و می‌تونه کارهایش رو بر اساس عقل مبتنی کنه». «انسان بر خلاف حیوان، آرزوها و اهداف و برنامه‌های بلندمدت داره و در حال زندگی نمی‌کنه». «می‌دونید یکی از ویژگی‌های برجسته انسان، قدرت تحلیل فوق‌العاده انسانه که حیوانات از آن بی‌بهره‌اند. انسان می‌تونه مسائل مختلف رو حل‌اجی کنه». «انسان موجودی است که برای کارها و رفتارهای خود الگو دارد و می‌تواند راجع به رفتار الگو فکر کند و از آنها تقلید کنه».

چهار) خودمختاری: انسانها بر خلاف حیوانات اراده لازم برای انتخاب و آزادی عمل آگاهانه را دارند و در تصمیم‌گیری‌ها استقلال دارند و چون انتخابهای آنان آگاهانه است، لذا مسئولیت انتخابهایشان را بر عهده می‌گیرند و در زندگی افراد خودمختارند و مسئولیت کم‌کاری‌ها و انتخابهای خود را بر گردن تقدیر و سرنوشت نمی‌اندازند:

«انسانها برای انجام هر کاری حق انتخاب دارند» یا «انسان چون انتخابش بر اساس آگاهی است لذا مسئول اعمال و رفتارهای خودشه» یا «انسانها برای انجام هر کاری حق انتخاب و اختیار عمل دارند» یا «انسان موجودی خودمختار است و توان تصمیم‌گیری و انتخاب مستقل را دارد».

مضمون سوم: هدف زندگی

یک) عبد شدن: در نظر دختران با حجاب مناسب، هدف زندگی انسان در دنیا، عشق ورزیدن به خدا و تسلیم شدن در برابر او و پذیرش دستورات خداوند است. در نظر این افراد، انسان مخلوق باید تلاش کند تا به تمام افعالش رنگ خدایی بزند و تمامی کارهایش را بر اساس رضایت خداوند تنظیم کند که نتیجه

104 ♦ بررسی نقش دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر در انتخاب نوع حجاب

چنین رفتارهایی این است که انسان عبد و مطیع مولای خود خواهد شد و در برابر اوامر و نواهی او گردنکشی نخواهد کرد:

«تمام تلاش ما در زندگی باید این باشد که عاشق خدا بشیم». «به نظر من، ما باید از دستورات خدا اطاعت کنیم و این هدف اصلی زندگی ما آدمهاست». «ما باید بتونیم در خدا غرق بشیم و ذوب در اون بشیم چون تکلیف دیگه‌ای در زندگی نداریم. منظورمو که می‌گیرید؛ یعنی باید تلاش کنیم تمام کارهامون رنگ خدایی بگیره».

دو) کسب معرفت: یکی از تفاوت‌های انسان و حیوان که به عنوان ظرفیتهای مثبت انسان از آن یاد شد، توانایی کسب علم و معرفت در انسان است. انسان می‌تواند با شناخت درست خود و جهان هستی، به مخلوق بودن خود و جهان هستی پی ببرد و از این رهگذر به شناخت خالق هستی برسد و فلسفه‌ی درستی برای زندگی خویش ترسیم کند؛ زیرا این شناخت درست از خود، هستی و خالق، می‌تواند هدایتگر انسان در زندگی باشد:

«ما یک بار به دنیا می‌ایم و یک بار فرصت زندگی داریم. بنابراین باید تا می‌تونیم تلاش کنیم تا این دنیا رو خوب بشناسیم تا بتونیم از زندگی در اون بهترین استفاده رو ببریم». «من فکر می‌کنم اگر ما سعی کنیم خدا را بشناسیم همه مشکلاتمان حله».

سه) سکینه: از منظر دانشجویان با حجاب مناسب، هدف زندگی انسان، سکینه و آرامش است. انسان به دنبال کسب رضایتمندی و آرامش در زندگی است. یکی از مصادیق کسب آرامش و رضایتمندی نیز بهره‌مندی از لذتهای مشروع و حلال است؛ زیرا از یک منظر می‌توان گفت منشأ ناآرامی‌های انسان، رفع نشدن نیازهای او در سطوح مختلف است. آرامش و سکینه مله‌ی نظر این دانشجویان، به معنای نفی لذتهای دنیوی نیست؛ بلکه از منظر این افراد، انسان می‌تواند هم از لذتهای مادی استفاده کند و هم به معنویات توجه کند و در چارچوب لذتهای حلال حرکت کند و با ایجاد تعادل بین نیازهای مادی و معنوی خویش به آرامش و سکینه برسد:

«والله من فکر می‌کنم که منتهای تلاش ما در زندگی برای رسیدن به موفقیت و خوشبختیه». «همه تو زندگی دنبال آرامشند. هر کسی هم از راه‌های مختلف دنبالش هست... با این اوصاف میشه گفت آرامش هدف زندگیه. وقتی بهش برسی دیگه هیچ چیز تورو نگران نمی‌کنه». «به نظر من تو زندگی دنیا باید از زندگی لذت برد. منتها نه لذتهای حرام که تو رواز آخرت غافل کنه». «خب آدم می‌تونه هم از دنیا لذت مادی ببره هم معنوی همه لذتها که مادی نیستند مثلاً ما عاشق میشیم خوب این عشق که مادی نیست یا دعا خوندن و...». «هر کسی تو زندگی به دنبال یک رفاه حداقلی می‌گرده. منم مثل همه تو زندگی دنبال رفاه هستم».

چهار) رستگاری: آخرین مقوله‌ی کشف‌شده در زمینه‌ی هدف زندگی انسان از منظر این دانشجویان، رستگاری بود. همان‌گونه که در بخش ماهیت انسان گفته شد، انسان خلیفه‌ی خدا روی زمین است و مقام بالایی دارد. منتها این مقام، بالقوه است و نه بالفعل؛ لذا انسان باید تلاش کند تا به آن جایگاه برسد. همچنین

105 ♦ امیر قربان پور لقمجانی و همکاران

انسان به دنبال عاقبت به خیری است و اینکه پایان داستان زندگی اش با نیل به همه آرزوهایش ختم به خیر بشود. انسان اگر بتواند به تمامی استعدادها و قابلیت‌های فطری اش جامه عمل بپوشاند و آنها را بالفعل کند، به سعادت می‌رسد که مختص انسان است. در واقع؛ اگر انسان تلاش کند اهداف خلقت خودش را محقق کند، به چنین سعادت می‌رسد. در این صورت، وی در آزمون الهی سربلند خواهد شد و خودش کوفایی واقعی و قرب الی الله تحقق پیدا خواهد کرد:

«به نظر من هدف نهایی زندگی اینست که به همون مقام اشرف مخلوقات برسیم.» «به نظر من تکلیف زندگی ما اینست که به اون نقطه آرمانی و انتهایی هدفمون برسیم.» «به نظر من اینکه تو زندگی چه اتفاقاتی می‌افته مهم نیست، مهم اینست که آخر داستان ما خوب تموم بشه. آخر قصه مهمه.» «مهم‌ترین چیز سعادت‌مندیه. اینکه تو دنیا و آخرت سعادت‌مند باشی.» «خداوند از خلقت ما یک هدف داشته و برای ما برنامه‌ای طراحی کرده. خوب ما باید تو زندگی تلاش کنیم تا به اون برنامه جامه عمل بپوشونیم.» «ما باید تو زندگی تلاش کنیم تا به کمال برسیم کمال در هر چیزی... در علم... در هنر و...» «ما باید تمام تلاشمون رو بکنیم پیش خدا و اهل بیت روسفید بشیم و شرمند اونها نشیم و تو امتحان دنیا قبول بشیم.» «به نظر من انسان باید تمام تلاششو بکنه تا به خدا نزدیک بشه حالا از هر راهی که شده ... کمک به مردم، عبادت، صدقه دادن و...» «آدم باید تمام تلاشش رو تو زندگی بکنه تا بتونه قابلیت‌هاشو بالفعل کنه اینطوری دیگه آخر عمری حسرت چیزی رو نمی‌خوره.»

مضمون چهارم: انجام (پایان) انسان

یک (حیات بی پایان ابدی): انسان بر اثر مرگ، حیات مادی اش قطع خواهد شد و به عوالم دیگری خواهد رفت؛ زیرا زندگی دنیا مقدمه آماده شدن برای زندگی بی پایان ابدی است که در جهان دیگر ادامه خواهد داشت:

«به نظر من مرگ آخر زندگی نیست و یک گذرگاهه برای عبور از زندگی دنیا و زندگی در عالم بالا.» «زندگی دنیا کوتاهه. هر چقدر هم که طول بکشه در مقایسه با زندگی آخرت و ابدی چیزی نیست ... باید تلاش کنیم زندگی ابدی خوبی داشته باشیم.» «خب! من فکر می‌کنم آخر کار رو که خیلی نمیشه دقیق گفت و مشخص کرد. همین قدر می‌دونم که پایان قصه زندگی آدم و ورود به دنیای باقی و تموم شدن این زندگی فانی و پر درد و رنج و آغاز حساب و کتابه.»

دو (زندگی اصلی و ادامه دار): انسان مخلوق خداست و در او ریشه دارد و اصل آفرینش انسان از خداست؛ لذا بعد از مرگ، فرد به اصل خود رجوع می‌کند و چون اصالت با روح الهی اوست و روح از بین نمی‌رود، در نتیجه حیات اصلی و دائمی وی بعد مرگ آغاز خواهد شد:

«همون‌طور که قرآن میگه ما همه از خدا هستیم و اصل و ریشه ما از خداست و نهایتاً هم به سمت خودش برمی‌گردیم.» «به نظر من انسان موجودی نامحدوده. اگرچه ممکنه با مرگ جسمش از بین بره، ولی اصل انسان که روحه خدایی اونه، با مرگ هم از بین نمی‌ره و لایتنه‌ایه و لذا زندگی اصلی و روحانی آدم تا انتهای نداره.»

106 ♦ بررسی نقش دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر در انتخاب نوع حجاب

سه) پایان مشروط: از نظر این دانشجویان، پایان زندگی چیز مشخصی نیست و بسته به اعمال هر فرد دارد. اما با این اوصاف، دنیا مزرعه آخرت است و افراد نتیجه اعمال خود را در انتهای زندگی خواهند دید و پایان زندگی هر کس در گرو اعمال خود اوست:

«به نظر من زندگی دنیا مقدمه است برای رسیدن به زندگی آخرت. همون‌طورکه زندگی جنینی مقدمه زندگی در دنیاست. بالاخره آخرش زندگی دنیا تموم میشه و ما وارد زندگی دیگه می‌شیم». «به نظر من آخر زندگی هر کسی چیز مشخصی نیست و دست خود آدم هست اینکه چی بشه رو خود ما تعیین می‌کنیم».

مضمون پنجم: ملاک عمل

یک) داشتن معیار خدایی: افراد برای انجام کارهای خود ملاکها و معیارهای مختلفی دارند که این ملاک از نظر دانشجویان دختر با حجاب مناسب، رعایت دستورات خداوند و توجه به رضایت او در تمامی افعال و کنشهاست:

«ما باید کاری کنیم که خدا از ما راضی باشه نظر بقیه اصلاً اهمیتی نداره». «به هر حال ما مسلمانیم، خدا که ما رو رها نکرده این همه پیغمبر فرستاده، بیکار که نبوده. خب ما هم باید به دستورات خدا توجه کنیم... مهم نظر خداست...».

دو) عقل: انسان بر خلاف حیوان از عقل برخوردار است و می‌تواند مصالح و مفاسد کارها را تشخیص دهد و بر آن اساس عمل کند. افراد بر اساس طرز تلقی و نگرشهای خود می‌توانند تصمیم‌گیری و رفتار کنند. در مقوله‌های مربوط به هدف زندگی گفته شد که یکی از هدفهای اصلی انسان، شناخت هستی است؛ زیرا فرد برخوردار از قوای عقلانی، خلقت و هستی را عبث و بی‌خالق نمی‌بیند. لذا نوع جهان‌بینی او با جهان‌بینی فرد غیر مؤمن فرق می‌کند و همین جهان‌بینی، هدایتگر رفتارهای وی خواهد بود:

«فرق اصلی ما با حیوانات همین داشتن عقله. خب برا همین ما باید بر اساس عقلمون تصمیم بگیریم، سبک سنگین کنیم ببینیم چی خوبه و چی بده بعد انتخاب کنیم و رفتار کنیم». «مهم اینه که آدم چطوری فکر می‌کنه و منطقتش در کارها چیه». «مهم اینه که نگاه آدم نسبت به اون کار چیه. اگر نظر آدم مثبته خب اون کار رو انجام می‌ده». «من فکر می‌کنم نوع نگاه آدم به دنیا به کل زندگی آدم جهت می‌ده. اینکه نگاهت نسبت به جهان چی باشه، تعیین‌کننده رفتارته هست... کسی که دنیا رو مادی می‌بینه، تو زندگیش یکجوره. اونیه هم که نگاهش غیر مادی، جور دیگه».

سه) دستورات دین: از نظر دانشجویان دختر با حجاب مناسب، انسان برای تشخیص درست و غلط و انجام کارها باید به اولیای دین و اهل بیت پیغمبر مراجعه کند؛ زیرا آنها راهنمایان بشرند. همچنین زندگی در کشوری اسلامی اقتضا می‌کند که ما هنجارهای رفتاری را که منبعت از قانون و دین اسلام است رعایت کنیم؛ زیرا دین با شناختی که نسبت به هستی، انسان و درستی و غلطی رفتارها به ما می‌دهد، می‌تواند مرجع رفتاری ما باشد:

107 ♦ امیر قربان پور لقمجانی و همکاران

«فرق ما بادیگر مردمای دنیا اینه که ما اهل بیت رو داریم. پس باید اونها رو الگو قرار بدیم و مثل اونا رفتار کنیم». «ما در کشوری زندگی می‌کنیم که شرایط فرهنگی خاص خودش را داره؛ بنابر این باید در رفتارها مون شرایط فرهنگی اسلامی را در نظر بگیریم». «به هر حال ما مسلمانیم و باید زندگیمون رو بر اساس آموزه‌های دین اسلامی تنظیم کنیم».

چهار) معیارهای فردی: در کنار بر آنچه به عنوان ملاک عمل فرد محجبه مطرح است، عوامل دیگری نیز وجود دارد که تحت عنوان معیارهای فردی قرار می‌گیرند. این معیارها عبارتند از: ارزشهای انسانی، ترجیحات و علاقه‌مندی‌ها، آرمانها و اهداف، باورهای شخصی، انتخاب آگاهانه و تفاوت‌های فردی. دیدگاه شرکت‌کنندگان به شرح ذیل بود:

«من فکر می‌کنم انسان موجود ارزشمندیه و هر کسی باید تلاش کنه مطابق با ارزشهای انسانی رفتار کنه». «هر کسی به علاقه‌مندی‌هایی داره خوب. معمولاً آدمها بر اساس علاقه‌شون رفتار می‌کنند». «به نظرم هر کسی تو زندگی برای خودش هدفها و آرمانهایی داره. همین می‌تونه به همه رفتارهای آدم تو زندگی جهت بده». «همه آدمای یکسری اعتقاداتی دارن و بر اساس اون اعتقادات عمل می‌کنن. منم همینطور سعی می‌کنم در چارچوب اعتقاداتم رفتار کنم». «آدم‌ها در انجام کارهاشون اراده و اختیار دارن و لذا نمی‌تونن بگن ما حق انتخاب نداریم. من فکر می‌کنم این اراده و اختیار می‌تونه مبنای عمل باشه». «آدمها با همدیگه فرق دارن لذا هر کسی می‌تونه رفتار خاص خودش رو داشته باشه».

2. مضامین و مقوله‌های فرعی حاصل از مصاحبه با دانشجویان دختر با حجاب نامناسب

تحلیل مصاحبه‌های افراد با حجاب نامناسب در مرحله کدگذاری انتخابی منجر به خلق پنج مضمون اصلی شد که عبارتند از: ماهیت انسان (شش مقوله)، تمایز با حیوانات (پنج مقوله)، هدف زندگی (پنج مقوله)، انجام انسان (چهار مقوله) و ملاک عمل (چهار مقوله)؛ که در ادامه به توضیح آنها خواهیم پرداخت. خلاصه این یافته‌ها در جدول 3 ارائه شده است.

جدول 3: مقوله‌ها و مضامین مرتبط با دیدگاه انسان‌شناختی دختران با حجاب نامناسب

مضمین	مقوله‌ها
ماهیت انسان	نووغ، تدبیر، قابلیت اوج و حضیض، حیوان اجتماعی، بی‌قرار و پویایی.
تمایز با حیوانات	آزادی انتخاب ارادی و آگاهانه، آینده‌نگری، ارتباط با دیگران، وجوه متعالی انسانی و قابلیت فکری بالا.
هدف زندگی	کامیابی در زندگی، رستگاری، کمال‌یابی سیال، خودشکوفایی و آرامش.
انجام زندگی	آغازی دیگر، بی‌پایان، آرامش و حیات غیر مادی.
ملاک عمل	فردیت، عرف، همنوایی و الگوگیری.

مضمون اول: ماهیت انسان

یک (نبوغ): تحلیل مصاحبه‌های دانشجویان دختر با حجاب نامناسب نشان داد که از نظر آنان، انسان موجودی هوشمند است که می‌تواند ابتکار و نوآوری داشته باشد و به واسطه همین ویژگی‌ها می‌تواند به اختراع مصنوعات مختلف بپردازد:

«انسان یک موجود باهوشه و خوب همیشه این هوش رو تو زندگی آدم‌ها دید.» «انسان خلاقیت بالایی داره مقایسه چیزهای قدیمی با چیزهای جدید می‌تونه به ما نشون بده که چقدر ساختنی‌های دست انسان تغییر کرده.» «انسان موجودیه که تمام چیزهای این دنیا رو خلق کرده. هوش انسان باعث این توانایی‌هاش شده از صدسال پیش تا الان چه چیزهایی رو انسان خلق کرده.»

دو (تدبیر): دیگر مؤلفه مربوط به ماهیت انسان، تدبیر است. از منظر این دانشجویان، اگرچه انسان موجودی احساسی است، اما به علت برخورداری از نیروی عقل می‌تواند مسائل را تحلیل کند و در واقع به خودمدیریتی برسد:

«آدم قدرت فکر کردن داره و می‌تونه قبل از کارها فکر بکنه.» «انسان موجودی احساسیه و میشه به راحتی غلبه احساس بر رفتارهای انسان رو دید.» «حیوونا تک بعدی‌اند، اما انسانها نه مثلاً آدم‌ها هم عقل دارن و هم احساس و می‌تونن با عقل، احساس رو مدیریت کنن.»

سه (قابلیت اوج و حضیض): یکی دیگر از ویژگی‌های انسان، قابلیت اوج و حضیض است. از نظر این دانشجویان، انسان قابلیت‌های متنوعی دارد و موجود منحصر به فردی است و ترکیبی از زمینه‌های مادی و غیر مادی است. به همین دلیل، از طرفی برترین موجودات است و زمینه‌های پیشرفت را دارد و از طرف دیگر می‌توان گفت که ارزشمندی او مشروط و تابع اعمال و رفتارهای اوست؛ زیرا در کنار ویژگی‌های مثبت و خوب، طبیعتی خودخواه و منفعت‌طلب دارد و با موجودات دیگر خیلی فرق ندارد و با وجود اینکه می‌تواند برتر از همه موجودات باشد، ممکن است آنقدر تنزل کند که بدترین موجودات شود:

«آدم توانایی‌ها و استعدادهاش مختلفی دارند.» «انسان خاص‌ترین موجود روی کره زمین.» «به نظر من انسان از یک طرف ارزشمندترین موجوده روی کره زمین، اما همین آدم می‌تونه کاری کنه و از حیوانات هم بدتر بشه.» «انسان یک موجود تک بعدی نیست. هم زمینه‌های مادی داره و هم زمینه‌های غیر مادی.» «به نظر من درباره انسان زیادی غلو کردن. انسان هم یک چیزی شبیه سایر موجوداته. آدم‌ها دنبال همون چیزهایی‌اند که حیوونا هستن.» «به نظر من همه آدم‌ها خودخواه هستن و فقط به فکر خودشون هستن کلاً انسان موجودی منفعت‌طلبه.» «هن فکر می‌کنم انسان ذاتاً خوبه ولی خوب محیط خیلی نقش داره آدم‌ها از مادر که متولد میشه شروع نیست.» «انسان از همه موجودات این جهان بالاتر و سرتره و هیچ وجودی مثل انسان نیست.»

چهار (حیوان اجتماعی): از نظر این دانشجویان، انسان همچون سایر موجودات، اجتماعی است و همانند حیوانات دیگر و بلکه خطرناک‌تر از آنهاست:

109 ♦ امیر قربان پور لقمجانی و همکاران

«انسان یک موجود اجتماعی و اصلاً همیشه انسان رو بدون دیگر انسانها تصور کرد. حتی حیوانات هم زندگی اجتماعی دارن چه برسه به انسان». «من فکر می‌کنم انسان یکجورایی مثل حیوانه. حتی قابلیت این رو داره که از حیوانات هم بدتر بشه. اونقدری که آدم آدم کشتن مگه حیوانات کشتن».

پنج) بی قرار: از نظر دانشجویان، انسان موجودی گریزان از یکنواختی است و همیشه به دنبال تنوع است و هیچ وقت از چیزی سیر نمی‌شود و انگار دائماً در حرکت است و سکون ندارد و در واقع؛ نوعی بی‌قراری در او دیده می‌شود:

«آدمها کلاً دنبال چیزهای مختلف‌اند و از تکرار خوششون نمیاد و همش دنبال چیزهای جدیدن». «انسان موجودیه که هیچ چیز اونو سیر نمی‌کنه. تو همه چیز هم همینطوره‌ها... تو همه چیز همش دنبال چیزهای جدیدتره».

شش) پویایی: از نظر این دانشجویان، انسان موجودی است که دائم در حال حرکت به سمت جلو است تا به پیشرفتهای دلخواهش برسد و در این صورت است که به آسایش خواهد رسید:

«آدم موجودی راحت‌طلبه و دنبال راحتی و آسایش هست. تمام تقلاهای آدم تو زندگی برای همین راحتی‌ه که تومی هم نداره». «انسان در مقایسه با سایر موجودات، کامل‌ترین موجوده و می‌تونه به بالاترین سطوح پیشرفت برسه».

مضمون دوم: تمایز با حیوانات

یک) آزادی انتخاب ارادی و آگاهانه: یکی از تمایزات انسان با حیوان این است که انسان قدرت انتخاب دارد و هر کاری را که اراده کند می‌تواند انجام دهد و به پشتوانه همین اراده، می‌تواند هوسهای خود را کنترل کند:

«خب! این چیز واضعیه که انسان موجودی انتخابگر است که بین گزینه‌های مختلف با علم و آگاهی انتخاب می‌کنه». «به نظر من هیچ کاری برای آدم نشد نداره آدم می‌تونه هر کاری رو که اراده کنه انجام بده». «خب! آدمها آزادی عمل دارن و به هیچ وجه مجبور نیستن کاری رو که دلشون نمی‌خواد انجام بدن...». «به نظر من آدمها توان این رو دارن که هوسهای خودشون رو کنترل کنن. مثلاً اونهایی که مواد رو ترک می‌کنن یا رژیم می‌گیرن همینطوری‌اند دیگه».

دو) آینده‌نگری: از دیگر ممیزات انسان از حیوانات، آینده‌نگری است. انسان می‌تواند قبل اقدامات خود فکر کند و به پشتوانه قدرت تحلیلگری خود، قبل از هرکاری تحلیل کند و سود و زیان آن کار را بسنجد و سپس به آن مبادرت کند:

«به نظر من یکی از فرقهای انسان با حیوان اینه که انسان قبل هر کاری می‌تونه فکر کنه و نتیجه عمل را بسنجه بعد اقدام کنه». «حیوانات عقل ندارن تمام کاراشون غریزیه و برای اینکه کاری انجام بدن تحلیل نمی‌کنن. ولی آدمها عقل دارن می‌تونن ارزش استفاده کنن».

110 ♦ بررسی نقش دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر در انتخاب نوع حجاب

سه) ارتباط با دیگران: یکی از ویژگی‌های ممتاز انسان، توانایی نطق و سخن گفتن است که به واسطه همین توانایی، فرد می‌تواند با دیگران ارتباط برقرار کند و در ضمن ارتباط، احساسات و عواطف خود را به دیگران نشان دهد و ابراز‌گری عواطف داشته باشد:

«خب! همه می‌دونن آدما بر خلاف حیوونا می‌تونن حرف بزنن. البته شاید اونها هم حرف بزنن! ما که نمی‌دونیم. ولی ما توی دبیرستان هم خوندم که انسان حیوان ناطقه»، «آدما موجوداتی احساسی هستن و می‌تونن احساساتشون رو بروز بدن. حتی میشه با نگاه به چهره یک آدم، احساساتش رو فهمید».

چهار) وجوه متعالی انسانی: بر خلاف حیوانات که نوعاً غریزه‌مدارند و کمالاتشان محدود است، انسانها قابلیت‌هایی دارند که متعالی و مخصوص خود انسان است؛ زیرا انسان شاهکار خلقت است و ویژگی‌ها و گرایشانی دارد که خاص خودش است. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها، میل به کمال و تلاش همیشگی برای رفع کمی‌ها و کاستی‌هاست. همچنین انسان ظرفیتهای اخلاقی دارد و برخی مصادیق خوب و بد را تشخیص می‌دهد که این امر نیز مخصوص انسان است و حیوانات از آن بهره‌ای ندارند:

«اینکه می‌تونن خوب و بد رو تشخیص بدن، به نظر من ربطی به دین و مذهب هم نداره. یک سری چیزها هستن که همه می‌تونن بفهمن که خوبه یا بد». «انسان بر خلاف حیوان، استعدادهای فوق‌العاده‌ای داره و به نظر من محشرترین موجود این کره زمینیه. یکی دو تا استعداد که نداره. هر چی درباره آدم بگیم کم گفتیم». «انسان بر خلاف حیوانات گرایشهای خاصی داره که مخصوص خود انسانه. مثلاً دوست داشتن زیبایی و علم. یک چیزهایی هست که فقط آدما دارن». «به نظر من بدیهیه که آدما همیشه می‌خوان رو به جلو حرکت کنن. به هر چیزی که می‌رسن بعد یک مدت دلشون رو می‌زنن و دنبال چیز جدیدتر و کامل‌تر هستن. کلاً آدما از نقص و کمبود خوششون نمیاد».

پنج) قابلیت فکری بالا: از جمله ممیزات مهم انسان از سایر موجودات، قابلیت‌های فکری بالای انسان است. انسان به پشتوانه ساختار مغزی پیچیده خود، قوه ادراک بسیار بالایی دارد و می‌تواند به واسطه خلاقیت ذهنی و قدرت خیال‌پردازی بسیار بالای خود، نوآوری کند. همچنین انسان به واسطه توانایی ذهنی‌اش، نسبت به افعال خود آگاهی دارد و نسبت به خود، خودآگاه است:

«من فکر می‌کنم انسان توان درک بسیاری از چیزها رو داره مثلاً همین ریاضیات یا فلسفه؛ قطعاً حیوانات درک نمی‌کنن، ولی آدم می‌تونه». «به نظر من یکی از تفاوت‌های اصلی و کلیدی آدما با حیوانات همین تفاوت مغزی بین آدم و حیوانه. واقعاً انسان موجود خیلی پیچیده‌ای است و یکی از دلایلی همین مغز متفکر انسانه». «انسان فرقی با حیوان اینه که می‌دونه داره چی کار می‌کنه؛ یعنی حواسش هست کجا هست و چیکار می‌کنه. مگه میشه کسی باشه ندونه چی کار می‌کنه». «من فکر می‌کنم یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان همین ساخت چیزهای جدیده هر روز چیزهای جدید می‌بینی تو نقاشی موبایل ماشین لباس و... همه جا میشه دید این انسان رو». «خوب آدم قدرت تخیل داره، هر کاری رو که نمی‌تونه تو دنیای واقعی انجام بده، می‌تونه تو خیالش انجام بده. تمام آرزوها رو میشه تو خیال مجسم کرد».

مضمون سوم: هدف زندگی

یک (کامیابی در زندگی): از نظر دانشجویان با حجاب نامناسب، یکی از اهداف زندگی، رسیدن به اهداف و آرمانهای شخصی و فردی است. در این حالت است که فرد احساس موفقیت و رضایتمندی می‌کند. در واقع؛ انسان در زندگی باید به دنبال لذت بردن از زمان حال باشد و بدین منظور تا جایی که می‌تواند در جهان تصرف کند. این گونه است که وی به موفقیت در زندگی خواهد رسید:

«من معتقدم همیشه برای همه آدمها یک هدف تعیین کرد و گفت همه دارن برای رسیدن به اون زندگی می‌کنند. مسیر آدمها با هم فرق داره و هر کسی داره به سمت اهداف شخصی خودش حرکت می‌کنه». «من فکر می‌کنم هدف هر کسی در زندگی رسیدن به موفقیت در زندگیه. آگه بتونی به هدفهات تو زندگی برسی موفق هستی». «یکی از ویژگی‌های انسان اینه که می‌تونه در جهان و طبیعت تصرف کنه و از اون در مسیر اهداف خودش استفاده کنه». «زندگی دنیا محدوده. کسی هم از فردای خودش خبر نداره. پس باید تلاش کنیم از حال لذت ببریم». «هر آدمی تو زندگی هدفی داره که باید در مسیر اونها حرکت کنه تا پیشرفت کنه. اصلاً زندگی بی‌هدف، زندگی نیست».

دو (رستگاری): دیگر هدف زندگی که از تحلیل مصاحبه‌ها استخراج شد، سعادت‌مندی است که برای هر فرد معنای متفاوتی دارد و از طریق تحقق کمالات فرد میسر خواهد شد. همچنین افراد اگر تلاش کنند تا رضایت خداوند را در کارها لحاظ کنند، می‌توانند تا حدودی مطمئن شوند که به رستگاری و سعادت نزدیک شده‌اند:

«به نظر من آدم باید تمام تلاششو بکنه تا در زندگی به سعادت برسه. سعادت هم برای هر کسی یک جوره». «آدم تو زندگی دنبال خیلی چیزه‌است؛ اما به نظرم همه چیز باید به خدا ختم بشه. همه چیز باید برای خدا باشه».

سه (کمال‌یابی سیال): انسان موجودی دائم در حال تکاپوست که از طریق تجربه کردن می‌تواند آموخته‌های خود را زیاد کند و به سمت پیشرفت حرکت کند. تکاپوی پیشرفت و کمال در انسان، جریانی مستمر و ادامه‌دار است:

«من فکر می‌کنم همه آدمها دوست دارن از هر لحاظی که می‌تونن کامل بشن و رشد کنن. کلاً آدمها از درجا زدن خوششون نمیاد». «هر روز که از زندگی می‌گذره، چیزی به داشته‌هامون اضافه میشه و ما می‌تونیم از تجارب هر روزه‌مون استفاده کنیم. تجربه خودش علمه». «از قدیم به ما گفتن آدم درست و حسابی دو روزش نباید شبیه هم باشه... راه پیشرفت هم انتها نداره... باید تا جایی که میشه رفت جلو».

چهار (خودشکوفایی): از جمله اهداف انسان در زندگی این است که ایده‌های ذهنی خود را محقق کند و به زندگی ایدئال برسد. در این مسیر، انسان باید خود را رشد دهد؛ این رشدیابی از طریق یادگیری مداوم اتفاق می‌افتد و باعث می‌شود انسان درجا نزنند. در این صورت است که انسان به خودشکوفایی خواهد رسید:

112 ♦ بررسی نقش دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر در انتخاب نوع حجاب

«انسان موجودی است که از تمام مخلوقات برتره لذا باید در زندگی تلاش کند تا این برتری رو در همه حیطه‌ها کسب کند». «به نظرم فرق اصلی ما با حیوانات همین قدرت یادگیریه. بنابراین اگر تو زندگی تلاش نکنیم که هر روز به یادگیریمون اضافه کنیم فرقی با بقیه موجودات نداریم. یادگیری ابزار قدرت ماست». «آدم فرقتش با حیوان اینه که می‌تونه رشد کنه و هیچ محدودیتی هم نداره. رشد آدمی سقف نداره و ادامه داره». «هر آدمی تو زندگی هدفهایی داره که باید در مسیر اونها حرکت کنه تا پیشرفت کنه. اصلاً زندگی بی‌هدف، زندگی نیست». «آدم باید تو زندگی تلاش کنه تا به ایده‌های ذهنیش برسه. فقط در این صورته که احساس رضایت داره».

پنج) آرامش: از جمله اهداف انسان در زندگی، کسب آرامش است که این امر از طریق رفع دغدغه‌ها و نیازهای انسان محقق خواهد شد. انسان به آرامش رسیده، احساسات خود را به راحتی ابراز می‌کند. البته در این مسیر باید چارچوبهای جامعه را نیز رعایت کند تا دچار دردسر و تنش نشود. هرچند به طور کلی زندگی بی‌عیب و کم‌دغدغه هدف انسان است، اما به طور کامل این اهداف محقق نخواهد شد:

«انسان موجودی احساسیه و احساس تو زندگی خیلی نقش داره. اگر آدم به احساسات خودش بها بده و جلو بره، هیچ مشکلی تو زندگی پیش نیاد». «کیه که دنبال آرامش نباشه؟ دغدغه همه تو زندگی همینه دیگه. اگه دنبال کار یا درآمد و ... هستیم، همش برای آرامشه. وقتی آرامش داری دیگه دغدغه نداری و هیچ چیز تو رو نکون نمیده». «یک بار به دنیا می‌یایم و یک بار حق زندگی کردن داریم. پس باید توی این یک بار یک زندگی بی‌عیب و نقص داشته باشیم و تلاش کنیم تا زندگی خوب و کاملی داشته باشیم». «آدم باید تو زندگی تمام حواسش رو جمع کنه تا طبق قواعد جامعه حرکت کنه. هر کاری می‌خواد بکنه بکنه، فقط حواسش به قواعد زندگی جمعی باشه تا تو دردسر نیفته».

مضمون چهارم: انجام انسان

یک) آغازی دیگر: یکی از ابعاد دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان به انتها و انجام انسان برمی‌گردد. در این زمینه دانشجویان معتقد بودند که مرگ انسان پدیده‌ای حتمی است و فرد پس از مرگ به ناکجاآباد می‌رود. در واقع؛ زندگی پس از مرگ و رفتن به سرای آخرت از نظر این افراد، حتمی، اما کیفیت آن نامشخص است؛ هرچند طبق نظر این دانشجویان، انجام زندگی انسان هر چه که باشد، تابع اعمال خود آنهاست:

«هرکسی که به دنیا میاد به روزی هم می‌میره. کسی هم که خبر نداره اون طرف چه خبره، به هر حال تا نمیریم متوجه نمی‌شیم که خبری هست یا نه». «اینکه همه می‌میرن، یک چیز واضحه و به نظرم زندگی پس از مرگ حتمیه؛ چند و چونش رو نمی‌دونم، ولی یک خبرایی هست ...». «من فکر می‌کنم بعد مرگ همه میرن به دنیای دیگه؛ یعنی انتهای زندگی آدمای یک جور انتقال و سفر به جای دیگه است». «در اینکه همه می‌میرن، شکی نیست؛ ولی اینکه به کجا می‌ریم نمی‌تونم نظر قطعی بدم. من فکر می‌کنم جایی که قراره بریم بستگی به عمل ما داره».

دو) بی‌پایان: از نظر دانشجویان دختر با حجاب نامناسب، زندگی انسان انتها ندارد؛ زیرا اهداف انسان بی‌انتهاست. لذا این حرکت استمرار دارد یا حداقلش این است که انتهای زندگی مشخص نیست:

113 ♦ امیر قربان پور لقمجانی و همکاران

«به نظر من زندگی انتهایی ندارد؛ چون هدفهای آدمها تمامی ندارند. به هرچی برسی باز دلت یک چیز دیگه می‌خواد. پس من فکر می‌کنم زندگی ته نداره». «به نظر من زندگی انتها نداره. تا هر جایی بخوای می‌تونی حرکت کنی و برسی و این حرکت نقطه پایانی نداره. حتی مرگ هم نمی‌تونه جلوی این حرکت انسان رو بگیره». «چی بگم! فکر می‌کنم این مسیر پایانی نداره یا حداقل اینکه پایش معلوم نیست. ما که نرسیدیم به آخر خط. لذا سخته تعیین آخر کار».

سه) آرامش: از جمله مواردی که در زمینه انجام انسان مطرح شد، رسیدن به آرامش است. این آرامش از طریق زندگی مسالمت‌آمیز با دیگران و نیل به لذتها حاصل می‌شود که در نتیجه، زندگی بدون دغدغه برای فرد فراهم می‌شود:

«آخر زندگی معلوم نیست. من فکر می‌کنم باید خوب زندگی کنیم تا بعد مردن مردم به ما بد و بیراه نگویند». «انسان موجود لذت‌طلبیه و اساساً تو زندگی دنبال لذته... خوب می‌دونید یک عالمه لذت داریم که آدم می‌تونه بره سراغشون. وقتی قراره با مرگ همه چی تموم بشه، چرا از فرصتها استفاده نکنیم». «تمام هم و غم انسان داشتن یک زندگی بی‌دغدغه است. اینکه شب سرتو زمین می‌ذاری نگران نباشی».

چهار) حیات غیر مادی: از جمله مواردی که توسط افراد در زمینه انجام انسان مطرح شد، زندگی غیر مادی است؛ زندگی‌ای که با حیات مادی تفاوت دارد. حتی این زندگی می‌تواند از طریق تناسخ و انتقال روح انسان به بدن یک حیوان نیز ادامه یابد:

«به نظر من زندگی انتها نداره. حتی مرگ هم آخر زندگی نیست. بعد مرگ روح ما در بدن موجودات یا حیوانات به زندگی ادامه می‌دهد». «همه مردم یک روزی می‌میرن. بعد مرگ جسم از بین میره و زندگی روحانی آغاز میشه».

مضمون پنجم: ملاک عمل

یک) فردیت: از منظر دانشجویان با حجاب نامناسب، ملاکهای مختلفی برای عمل کردن وجود دارد که از جمله آنها فردیت است. فردیت یعنی اینکه افراد با توجه به اهداف، تفاوت‌های فردی و شخصیت، علایق و ترجیحات، باورهای شخصی، میل و پسند شخصی، انتظارات فردی، تحلیل‌های مبتنی بر مطالعات شخصی، نگرشها و معیارهای فردی و ارزشهای نسبی و سلیقه خویش عمل می‌کنند. تمامی این موارد را می‌توان زیر چتر فردیت قرار داد:

«همه آدمها برای خودشون هدفهایی ترسیم می‌کنند و بر اساس اون عمل می‌کنند. اون چیزی که رفتار رو تنظیم می‌کنه هدفهای آدمه». «هر کسی شخصیت خاص خودش رو داره که با بقیه فرق داره. طبیعتاً شخصیت آدم روی رفتارش تأثیر می‌ذاره». «آدمها کارهایی رو که دوست دارن انجام می‌دن». «هر کسی یک اعتقاداتی داره. منم اعتقادات خودم رو دارم و بر اساس اون عمل می‌کنم». «من هر کاری که عشقم بکشه انجام می‌دم. هر کسی از زندگی یک چیزی می‌خواد و تو زندگی دنبال یک سری چیزهاست. خب مشخصه رفتار آدم هم تابع اون چیزهاست». «من فکر می‌کنم امروز سواد ما از قدیم خیلی بیشتره. ماها هم که دانشجوییم اهل کتاب و تحقیق هستیم راجع به هر چیزی که بخوایم کتاب هست و می‌تونیم بخونیم و...». «به نظر من مهمه که نظر خودت نسبت به مسائل چی هست و از چه

114 ♦ بررسی نقش دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر در انتخاب نوع حجاب

چیزی خوشتر می‌آید خودت مهمی و دیدگاه خودت». «من فکر می‌کنم هر کسی برای کارهای خودش دلیل خاص خودش رو داره و هر کسی بر اساس دلایل شخصی خودش عمل می‌کنه». «خب ارزشهای هر فردی با ارزشهای فرد دیگه فرق می‌کنه. من یک چیز رو خوب یا بد می‌دونم شما چیز دیگه رو». «من فکر می‌کنم هر کسی سلیقه‌ای داره. همان‌طور که من سلیقه‌ام یک چیزه، شما هم ممکنه سلیقه‌تون چیز دیگه باشه».

دو) عرف: از منظر دانشجویان، بافت اجتماع بر رفتارهای انسان تأثیر می‌گذارد. افراد تابع بافت محیط زندگی‌اند و در این بین نیز به هنجارهای زندگی جمعی نیز جبراً باید توجه کنند:

«شرایط فرهنگی و محیطی که توش زندگی می‌کنی روی تو تأثیر داره. الان آگه من خارج از ایران زندگی می‌کردم، ممکن بود خیلی متفاوت‌تر از چیزی باشم که الان هستم». «همه جوامع یک سری خوب و بدهایی دارن که به اعضای خودشون تلقین می‌کنند. وقتی توی یک جامعه هستیم، مجبوریم به این شرایط تن بدیم».

سه) همنوایی: همچنین دانشجویان معتقدند که ملاک عمل می‌تواند نظرات دیگرانی باشد که روی ما تأثیر دارند؛ زیرا گاهی از اوقات فشار دیگران باعث می‌شود کاری را درست بدانیم و آن را انجام دهیم:

«خب می‌دونید ما موجوداتی اجتماعی هستیم. به همین خاطر نظر دیگران روی تصمیمات ما اثر داره ... ما که موجودات منزوی نیستیم. می‌فهمید که چی می‌گم...». «الان با قدیم خیلی فرق داره. الان وقتی توی یک گروه دوستی هستی، نمی‌تونی متفاوت با اونها باشی، اگر نه طرد میشی».

چهار) الگوگیری: از منظر دانشجویان، ملاک تصمیم‌گیری و انتخابهای افراد، تابع نظرات خانواده است؛ زیرا خانواده اولین محیطی است که سالهای اولیه رشد شخصیت درون آن سپری می‌شود. همچنین رسانه‌ها و ماهواره‌ها نیز اثرات قانع‌کننده بسیاری دارند و می‌توانند رفتارها و نگرشها و اعتقادات افراد را تغییر دهد:

«خب ما توی جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که تا قبل از دواج باید تو خانواده زندگی کنیم و برای همین، خانواده روی همه تصمیمات ما اثرگذاره». «عصر، عصر ارتباطاته. امروز دیگه رسانه‌ها جای همه چیز رو گرفتن. هر چیزی که مد میشه، اول توی ماهواره یا کانالهای مد میاد، بعد کم‌کم مردم دنبال اونها میرن».

جدول 4: مقایسه مقوله‌ها و مضامین دو گروه دختران با حجاب مناسب و نامناسب

مضامین	دختران با حجاب مناسب مقوله‌ها	دختران با حجاب نامناسب مقوله‌ها
ماهیت انسان	موجودی دوبعدی با اصالت روح، ابدیت مثبت و منفی، خلیقه‌الله، کمال در خلقت، کمال‌گرایی بی‌انتهای ظرفیتهای فطری، کرامت ذاتی و اکسایبی و دوستدار اجتماع.	نوع، تدبیر، قابلیت اوج و حضیض، حیوان اجتماعی، بی‌قرار و پویایی.
تمایز با حیوانات	عبودیت، ظرفیتهای مثبت و منفی انسان، عقل‌مداری و خودمختاری.	آزادی انتخاب ارادی و آگاهانه، آینده‌نگری، ارتباط با دیگران، وجوه متعالی انسانی و قابلیت فکری بالا.
هدف زندگی	عبد شدن، کسب معرفت، سکینه و رستگاری.	کامیابی در زندگی، رستگاری، کمال‌یابی سیال، خودشکوفایی و آرامش.
انجام زندگی	حیات بی‌پایان ابدی، زندگی اصلی، ادامه‌دار و پایان‌مشروط.	آغازی دیگر، بی‌پایان، آرامش و حیات غیر مادی.
ملاک عمل	داشتن معیار خدایی، عقل، دستورات دین و معیارهای فردی.	فردیت، عرف، همنوایی و الگوگیری.

115 ♦ امیر قربان پور لقمجانی و همکاران

همان‌طور که در روش تحلیل داده‌های کیفی (تحلیل محتوا) اشاره شد، پس از تعیین واحد تحلیل و مقوله‌بندی، مرحله سوم به شمارش مقوله‌ها اختصاص دارد؛ یعنی بسامد و فراوانی مقوله‌ها مورد توجه محققان بوده تا از این طریق، میزان تکرار مقوله‌ها در مصاحبه‌ها تعیین شود. با نهایی شدن مضامین و شناسایی و تعیین مقوله‌های اصلی، شمارش مقوله‌ها در طبقه‌بندی صورت گرفته در جدول 8 نشان داده شده است.

جدول 5: فراوانی و درصد فراوانی مقوله‌های فرعی و مضامین

ردیف	مقوله اصلی	گروه‌ها	تعداد مقوله‌های فرعی	فراوانی مقوله‌های فرعی	فراوانی کل
1	ماهیت انسان	حجاب مناسب	18	115	204
		حجاب نامناسب	15	89	
2	تفاوت انسان با سایر موجودات	حجاب مناسب	17	101	213
		حجاب نامناسب	16	112	
3	هدف از زندگی	حجاب مناسب	15	83	182
		حجاب نامناسب	14	99	
4	کجایی انتهای زندگی انسان	حجاب مناسب	7	136	244
		حجاب نامناسب	12	108	
5	ملاک انتخاب و تصمیم‌گیری	حجاب مناسب	12	49	109
		حجاب نامناسب	14	65	

جدول 5 نشان می‌دهد که بُعد کجایی انتهای زندگی با 244 بار تکرار، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده و به ترتیب، بعد تفاوت انسان با سایر موجودات، بعد ماهیت انسان، بعد هدف از زندگی و در نهایت، بعد ملاک انتخاب و تصمیم‌گیری با 213، 204، 189 و 109 بار تکرار بیشترین فراوانی را داشته‌اند.

هـ) بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر مشخص شد که دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر با حجاب مناسب، با دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر با حجاب نامناسب متفاوت است و دیدگاه‌های انسان‌شناختی گروه اول عمدتاً بر آموزه‌های انسان‌شناختی دین اسلام مبتنی است و این دیدگاه‌ها همان مؤلفه‌هایی را در بر می‌گیرد که دین مبین اسلام به آنها اشاره کرده است. برای مثال، مقوله‌هایی که در مضامین مختلف برای این گروه گنجانده شدند، عبارت بودند از:

- ماهیت انسان: موجودی دوبعدی با اصالت روح، ابدیت مثبت و منفی، خلیفه‌الله، کمال در خلقت، کمال‌گرایی بی‌انتها، ظرفیتهای فطری، کرامت ذاتی و اکتسابی و دوستدار اجتماع.

116 ♦ بررسی نقش دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر در انتخاب نوع حجاب

- تمایز انسان از حیوانات: عبودیت، ظرفیتهای مثبت و منفی انسان، عقل‌مداری و خودمختاری.
- هدف زندگی: عبد شدن، کسب معرفت، سکینه و رستگاری.
- انجام و انتهای زندگی انسان: حیات بی‌پایان ابدی، زندگی اصلی، ادامه‌دار و پایان‌مشروط.
- ملاک عمل: داشتن معیار خدایی، عقل، دستورات دین و معیارهای فردی.

در مقابل و در گروه دختران با حجاب نامناسب، دربارهٔ مضامین مختلف این مقوله‌ها مطرح شد:

- ماهیت انسان: نبوغ، تدبیر، قابلیت اوج و حضیض، حیوان اجتماعی، بی‌قرار و پویایی.
- تمایز از حیوانات: آزادی انتخاب ارادی و آگاهانه، آینده‌نگری، ارتباط با دیگران، وجوه متعالی انسانی و قابلیت فکری بالا.
- هدف زندگی: کامیابی در زندگی، رستگاری، کمال‌یابی سیال، خودشکوفایی و آرامش.
- انجام انسان: آغازی دیگر، بی‌پایان، آرامش و حیات غیر مادی.
- ملاک عمل: فردیت، عرف، همنوایی و الگوگیری.

مقایسهٔ مقوله‌ها در بین این دو گروه نشان می‌دهد که اگر چه در برخی مقوله‌ها، ذیل مضمون انجام انسان، تمایز با حیوانات و هدف زندگی، در یک یا دو مقوله شباهتهایی وجود دارد؛ اما در سایر مقوله‌ها، از جمله ماهیت انسان و ملاک عمل، تفاوتها فاحش است و می‌توان دریافت که مقوله‌های گروه اول؛ یعنی دختران با حجاب مناسب، عمدتاً حول محورهای انسان‌شناسی دین اسلام می‌چرخد و مقوله‌های دختران گروه دوم، مبتنی بر حس و تجربهٔ شخصی و به طور کلی متفاوت از انسان‌شناسی اسلامی است.

اگرچه در زمینهٔ موضوع تحقیق حاضر؛ یعنی مقایسهٔ دیدگاه انسان‌شناختی دختران با حجاب مناسب و بدون حجاب مناسب، هیچ پژوهشی در داخل و خارج از کشور انجام نشده است؛ اما پژوهشهایی که نقش متغیرهای مذهبی و دینداری را در زمینهٔ حجاب بررسی کرده‌اند، می‌توانند در این زمینه مورد توجه قرار بگیرند؛ زیرا یکی از ابعاد دین، باورهایی است که دربارهٔ انسان و جهان به انسان ارائه می‌شود و دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر محجبه نیز عمدتاً مبتنی بر دیدگاه انسان‌شناختی دین اسلام بوده است. پژوهشهای متعددی نشان می‌دهد هر اندازه پایبندی مذهبی بیشتر باشد، تأکید کمتری بر فیزیک بدنی صورت می‌پذیرد، بلکه ارزشمندی فرد در گرو ارتباط با خالق و کسب فضایل و دوری از رذایل اخلاقی ارزشیابی می‌شود. (راست‌منش و همکاران، 2009)

تصور از خود با عزت نفس و حرمت خود ارتباط مستقیم دارد (ملازمانی و فحی‌آشتیانی، 1387). افرادی که تصور مطلوبی از خویشتن دارند و دیدگاه انسان‌شناختی آنان مبتنی بر آموزه‌های دین اسلام است، حرمت خود بالاتری دارند. بر خلاف دیدگاههای روان‌شناسی رایج که عمدتاً آثار حرمت خود را مطرح می‌کنند و منشأ حرمت خود را نادیده می‌گیرند؛ در تعالیم اسلامی، منشأ حرمت خود، ارتباط و تعلق وجودی انسان با

117 ♦ امیر قربان پور لقمجانی و همکاران

خدا و دمیده شدن روح الهی در وجود اوست (سالاری فر و همکاران، 1393). این موارد که به کرامت ذاتی انسان اشاره دارد، در صورت فراهم بودن شرایط به کرامت اکتسابی نیز منتج می‌شود. همین باور به کرامت ذاتی و اکتسابی می‌تواند زمینه‌ساز خودارزشمندی در انسان و ترک برخی از رفتارها در وی شود. توجه به حرمت خود می‌تواند بازدارنده انسان از رفتارهای دون شأن انسانی باشد. در نتیجه، افرادی که حرمت خود آنها مبتنی بر آموزه‌های اسلامی درباره انسان است، کمتر مرتکب رفتارهای ناپهناجر اجتماعی، از جمله بی‌حجابی یا حجاب نامتعارف می‌شوند. این موضوع در حکمت 441 نهج البلاغه مطرح شده که هر کس در نفس خود احساس کرامت کند، شهوات در نظر او کوچک و خوار خواهند شد (شیروانی، 1390). این مطلب در قالب‌های دیگری نیز مطرح شده است؛ از جمله اینکه هر کس در خود احساس کرامت کند، دنیا و مظاهر آن در نظرش کوچک خواهد شد؛ یا هر کس در خود احساس کرامت کند، خود را با معصیت کوچک و آلوده نخواهد کرد. منطق آن هم ناهماهنگی شناختی فستینگر است که در روان‌شناسی اجتماعی به آن پرداخته می‌شود. بین شناخت‌های مرتبط با انسان‌شناسی اسلامی و ارتکاب به رفتارهای ناپهناجر، تعارض و ناهماهنگی وجود دارد و این ناهماهنگی که در آموزه‌های دینی در قالب ملامت‌های نفس لوامه مطرح می‌شود، می‌تواند هشدار به فرد باشد تا رفتار خود را اصلاح کند. همان‌طور که در تحقیق احمدی و همکاران (1389الف) مشخص شد افراد با حجاب مناسب، حرمت خود بیشتری در مقایسه با افراد بی‌حجاب داشتند. همچنین تحقیقات نشان داده که افراد دارای حرمت خود بالا (حرمت خود بر دیدگاه افراد نسبت به خود یا خودپنداشت افراد مبتنی است) در انواع رفتارهای انتخابی خود، از جمله انتخاب همسر و حتی نامزدهای ریاست جمهوری، رفتارهای متفاوت‌تری نشان می‌دهند. (آرونسون، 1382)

یافته‌های تحقیق حاضر با تحقیق مولایی و یوسف‌وند (1393) همسو است. آنان در تحقیق خود نشان دادند که بین اعتقادات دینی و گرایش به حجاب، رابطه‌ی زیادی برقرار است؛ زیرا حجاب، نماد دینداری است و دین، مهم‌ترین عنصر هویت‌ساز در جامعه شبکه‌ای است. فردی که هویتش را بر اساس دیدگاه انسان‌شناختی دین اسلام مبتنی کند، برای اثبات ارزشمندی خود، کمتر به پرداختن به ظاهر جسمانی خود رو می‌آورد. آتش‌زاده شوریده و همکاران (1395) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که تقید به معنویات، با زیرطبقه اخلاق‌مداری، دین‌مداری و خوف و رجا، عامل تسهیل‌کننده در رعایت حجاب دانشجویان است و تردید در باورهای مذهبی و دینی با سه زیرطبقه فطرت‌گریزی، باورهای دینی سطحی و شناخت دینی ناکافی، عامل بازدارنده در رعایت حجاب کامل دانشجویان شناخته شد.

در این زمینه می‌توان گفت که نگرش‌های افراد، رفتارهای آنها را پیش‌بینی می‌کند. نگرش‌ها برای تفسیر و ادراک‌گزینی شیء و معنا بخشیدن به موقعیتها به کار می‌روند. هنگامی که نگرشی بسیار در دسترس باشد، به احتمال بسیار زیاد ما بر اساس همان نگرش عمل خواهیم کرد (آرونسون، 1382: 185-184). نگرش‌های ما بخش مهمی از رفتار ما را شکل می‌دهند. دلیلش این است که نگرش‌ها بر رفتار تأثیر می‌گذارند و نگرش

118 ♦ بررسی نقش دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر در انتخاب نوع حجاب

فرد دربارهٔ یک موضوع، بر رفتار وی نسبت به آن موضوع تأثیرگذار است (صفاری‌نیا، 1389: 182). نگرشها جنبه‌ای مهم از زندگی عاطفی و احساسی ما را تشکیل می‌دهند. ما نسبت به اشیاء، افراد و اندیشه‌ها و حتی خودمان دیدگاه‌های خاصی داریم که ناشی از اطلاع ما از آنها، احساس ما نسبت به آنها و تمایل ما به انجام عملی دربارهٔ آنهاست. این‌گونه دیدگاه‌ها اغلب حتی تعیین‌کنندهٔ شیوهٔ برخورد ما با آن اشیاء، افراد و اندیشه‌هاست. (کریمی، 1394: 223)

تردیدی نیست که نگرش بر رفتار و گاهی رفتار بر نگرش اثر می‌گذارد. اکنون روان‌شناسان اجتماعی معتقدند که می‌توانیم بررسی کنیم که نگرش چه زمان و چگونه بر رفتار اثر می‌گذارد (سالاری‌فر و همکاران، 1393: 126). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نگرش افراد، از جمله نگرش نسبت به انسان، یعنی دیدگاه انسان‌شناختی افراد، تعیین‌کنندهٔ رفتار آنهاست. همان‌طور که در محتوای مصاحبه‌ها و در بخش یافته‌های تحقیق نیز مشاهده شد، دانشجویان دختر محجبه در زمینهٔ ماهیت انسان معتقد بودند که مخلوق خدا و خلیفهٔ خدا روی زمین‌اند و متفاوت از موجودات دیگرند، از کرامت ذاتی برخوردارند، دو بعد مادی و روحانی دارند و به واسطهٔ همین ابعاد، حیات ابدی در پیش دارند که این حیات ابدی در گرو اعمال آنها در زندگی دنیاست. در زمینهٔ تفاوت با حیوانات نیز عنوان کردند که ظرفیتهای مثبت و منفی دارند؛ به دلیل اتصال با خداوند و رابطهٔ از او بی با او، نیاز به عبادت و ارتباط دائمی با خدا دارند؛ می‌توانند از عقل خود استفاده کنند و تصمیمات درستی اتخاذ کنند و نتایج اعمال خود را بر دیگران ببینند؛ همچنین آزادی انتخاب و ارادهٔ آزاد دارند. هدف زندگی‌شان نیز عبد شدن، کسب معرفت نسبت به خود و خالق و هستی، سکینه و آرامش ناشی از تعادل بخشی به نیازهای مادی و معنوی و رستگاری است که از طریق شکوفا شدن قابلیت‌های فطری و تحقق اهداف خلقت که همان بندگی است، حاصل می‌شود و رضایت خداوند نیز از این رهگذر به دست می‌آید. در نظر این افراد، ملاک عمل و گزینش در امور مختلف، از جمله حجاب، عبارت است از: داشتن معیار خدایی، عقل و تحلیل ضرر و زیان یک رفتار برای خود و دیگران، دستورات دین و سیرهٔ اهل بیت پیامبر (ص) و معیارهای فردی. با توجه به دیگر مضامین برساختی از مصاحبه‌های آنان می‌توان به این نتیجه رسید که ملاک رفتار برای این افراد، معیارهای فردی در چارچوب معیارهای دینی است؛ یعنی در تعارض بین معیارهای فردی و دستورات دین، آنان به احتمال بسیار زیاد، دستورات دین را ملاک عمل قرار خواهند داد؛ زیرا در ابعاد ماهیت انسان گفته شد که انسان خلیفهٔ خدا روی زمین است و به دلیل همین جانشینی، می‌بایست ویژگی‌های مد نظر مستخلف‌عنه را در خود ایجاد کند. وقتی فرد الف جانشین فرد ب می‌شود، باید میزانی از شباهت را با فرد ب داشته باشد و لذا یکی از نتایج جانشینی خداوند روی زمین، حرکت در مسیر مد نظر مستخلف‌عنه (خدا)؛ یعنی دستورات دین است.

از موارد دیگری که در زمینهٔ دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان اهمیت دارد، انجام و پایان زندگی انسان است که خود تابعی از دیدگاه افراد دربارهٔ ماهیت انسان است و می‌تواند به رفتارهای انسان جهت دهد؛ زیرا

119 ♦ امیر قربان پور لقمجانی و همکاران

تفاوت دیدگاه‌های اومانیستی، غیر الهی و مادی و دیدگاه اسلام درباره انسان‌شناسی، همچون تفاوت دو دیدگاه مختلف در علوم اجتماعی یا نظریه‌های مدیریت نیست. اعتقاد به اینکه انسان پدیده‌ای صرفاً مادی است، به این معناست که زندگی انسان محدود است و بعد از مرگ نیست و نابود می‌شود. اما اگر معتقد باشیم بخشی از انسان غیر مادی است و به این نتیجه رسیدیم که بعد اصلی انسان همان بعد غیر مادی اوست؛ لازمه‌اش اعتقاد به جاودانگی و پایان‌ناپذیری عمر انسان است (مصباح، 1391: 42). همچنین از جمله نتایج اعتقاد به این باور، گسترش سطح مسئولیت‌پذیری افراد است؛ یعنی در این سطح، افراد فقط مسئول افعال و رفتارهای خود در این جهان نیستند و معتقدند که چون حیات ابدی در پیش است، لذا باید پاسخگوی اعمال خود در آن دنیا نیز باشند و همین امر، نوعی کنترل‌گری و خویش‌داری را در افراد ایجاد می‌کند.

همان‌گونه که طیبی‌نیا و احمدی (1392) در تحقیق خود نشان دادند، مهم‌ترین عنصر مکنون عفاف و حجاب، باور و دیدگاه افراد است. خواجه نوری و همکاران (1391) در تحقیقی نشان دادند که بین هویت مذهبی و سبک زندگی مذهبی و گرایش به حجاب رابطه وجود دارد. هویت مذهبی؛ یعنی اینکه فرد در پاسخ به کیستی و چیستی خود و چرایی زندگی و ارزشهای رفتاری (بایدها و نبایدها)، به آموزه‌های دینی متمسک می‌شود و پاسخ چرایی‌های خویش را از دین و مذهب می‌گیرد.

یکی از حیطه‌های مشخص سبک زندگی، نوع پوشش افراد است که آن هم تابع دیدگاه‌های افراد از جمله دیدگاه مذهبی و انسان‌شناختی آنهاست. ادیان الهی دیدگاه هستی‌شناختی و انسان‌شناختی متفاوتی در مقایسه با سایر مکاتب بشری به انسان عرضه می‌کنند. فردی که خود را مخلوق خدا می‌داند و باور دارد که هدف خلقت انسان، بندگی و نیل به مقام قرب الی‌الله است، در حرکات و سکناات زندگی در مسیر رضایت خالق و چارچوب فطری خویش حرکت خواهد کرد (بخشی از محتوای مصاحبه دانشجویان دختر با حجاب مناسب که در قسمت یافته‌ها آمده است) و کسی که معتقد است انسان موجودی حسابگر، منطقی و باهوش است و هدفش ارضای احساسات و تصرف در جهان است، بیشتر تحت تأثیر احساسات و امیال درونی و انتظارات فردی و گاهی هنجارهای اجتماعی (آن هم از روی ناچاری و جبر) رفتار خواهد کرد (بخشی از محتوای مصاحبه دانشجویان دختر با حجاب نامناسب که در قسمت یافته‌ها آمده است). در همین رابطه، علوی و حجتی (1386) در تحقیقی نشان دادند که وضعیت دینی دانشجویان در نگرش آنان نسبت به حجاب و بی‌حجابی اثرگذار است. در واقع؛ قابل‌پیش‌بینی است که هر قدر افراد به آموزه‌های دینی اعتقاد بیشتری داشته باشند و خود را ملزم به انجام دستورات و فرایض منتج از آن دین کنند، در حوزه عمل و رفتار از جمله ظاهر و پوشش نیز تابع دستورات آن دین‌اند و نه سلیقه یا اقتضای اجتماعی بیرون.

با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان گفت که یکی از تفاوت‌های اساسی دانشجویان دختر با حجاب مناسب و بدون حجاب مناسب، تفاوت دیدگاه‌های انسان‌شناختی آنان است. نگاهی به مقوله‌های انتزاع شده از مصاحبه با این دانشجویان نشان می‌دهد که دیدگاه انسان‌شناختی دسته اول؛ یعنی دختران

120 ♦ بررسی نقش دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر در انتخاب نوع حجاب

دانشجوی با حجاب مناسب، تقریباً به گزاره‌هایی که در آموزه‌های دین اسلام درباره انسان مطرح شده، نزدیک است. همان‌گونه که در صحبت‌های دانشجویان با حجاب مناسب پیرامون موارد مختلف مرتبط با انسان آمده است:

«انسان موجودی دارای فطرت است. انسان موجودی دو بعدی با اصالت روح است و بدن ابزار و مرکب روح برای تحقق کمالات فطری و اهداف خلقت است. داشتن روح مهم‌ترین خصیصه بشر است و تنها همین یک مورد برای تفاوت قائل شدن بین انسان و سایر موجودات کفایت می‌کند. همچنین هدف از زندگی شناخت خالق، خود و جهان هستی، عبد شدن و تلاش در مسیر تحقق قابلیت‌های فطری و سکینه است. این هدف اصلی و مهم است. انتهای زندگی نیز به حیات ابدی و اصلی و زندگی ادامه‌دار در سرای دیگر و عالم قبر و گذر از آن به سوی زندگی بی‌انتها و حیات ابدی است. همچنین ملاک انتخاب و تصمیم‌گیری در بسیاری از مواقع، تبعیت از عقل، پیروی از دستورات و الگوهای دینی است تا رضایت خالق کسب شود.»

همچنین دیدگاه انسان‌شناختی دسته دوم؛ یعنی دانشجویان دارای حجاب نامناسب نیز از دیدگاه انسان‌شناسی دینی فاصله دارد و تقریباً به دیدگاه‌های اومانیستی نزدیک است. همان‌گونه که در صحبت‌های دانشجویان درباره موارد مختلف مرتبط با انسان آمده است:

«انسان موجودی باهوش است با ویژگی‌هایی همچون نبوغ، تدبیر، قابلیت اوج و حضیض، اجتماعی بودن، بی‌قراری و پویایی. هدف زندگی رسیدن به کامیابی، اوج پیشرفت و خودشکوفایی است و یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های انسان با سایر موجودات، ساختارهای مغزی پیچیده، اراده و انتخاب، قدرت تفکر، ادراک و تحلیلگری است. انتهای زندگی انسان آغازی دیگر است که در زندگی غیر مادی محقق خواهد شد. ملاک رفتارها برای چنین انسانی نیز فردیت، همنوایی و عرف جامعه است.»

البته ناگفته نماند که این دیدگاه انسان‌شناختی، محصول متغیرهای زیادی از جمله: نوع تربیت خانوادگی، آموزش‌های دوران کودکی در مهد کودک و دبستان، نوع رسانه مصرفی خانواده و ارتباط با همسالان نیز می‌شود.

پیشنهادها و محدودیتها

به عنوان یک راهکار پیشگیرانه می‌توان پیشنهاد کرد که در حوزه تعلیم و تربیت از همان کودکی می‌بایست گزاره‌های انسان‌شناختی اسلامی را به فرزندان انتقال داد تا در بزرگسالی همان دیدگاهها و نگرش‌های انسان‌شناختی، هدایتگر رفتارهای مختلف‌شان باشد؛ زیرا شکل‌گیری بخش عمده‌ای از نگرش‌های افراد درباره زندگی، جهان هستی و انسان، عمدتاً در سنین کودکی و در تعاملات خانوادگی اتفاق می‌افتد. لذا پیشنهاد می‌شود دیدگاه انسان‌شناختی دانش‌آموزان بررسی شود و بر اساس آن، آزمون‌ها و پرسشنامه‌های مرتبط با سنجش دیدگاه انسان‌شناختی طراحی و در پژوهش‌ها استفاده شود.

121 ♦ امیر قربان پور لقمجانی و همکاران

از طرفی رفتارهای انسان معمولاً تک علیتی نیستند و عوامل مختلفی در شکل گیری آن نقش دارد. بنابر این، طبق یافته‌های تحقیق حاضر، نگرشهای انسان‌شناختی (با تأکید بر معیارهای عمل) یکی از مؤلفه‌های اثرگذار بر رفتارهای افراد از جمله انتخاب پوشش است و تنها عامل در این زمینه نیست. لذا در استفاده و کاربرد نتایج نباید اغراق کرد و به نقش سایر متغیرها از جمله شرایط اقتصادی خانواده، میزان تحصیلات والدین، شغل آنها و محل سکونت نیز باید توجه کرد. می‌توان این موارد را در تحقیقات آتی کنترل کرد یا اینکه نمونه‌ها را از این حیث هم‌تا کرد.

پیشنهاد می‌شود بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، پرسشنامه نگرشهای انسان‌شناختی ساخته شود و در تحقیقات دیگر به عنوان یک مؤلفه پیشگیرانه از آسیبهای مختلف، استفاده شود.

همان‌طور که می‌دانیم پژوهشگران در تحقیقات کیفی، دغدغه تعمیم یافته‌های تحقیق را ندارند؛ لذا نیاز است برای تعمیم یافته‌های تحقیق به دانشجویان دیگر شهرها و استانها، تحقیقات مجزایی انجام شود.



منابع

- آرونسون، الیوت (1382). روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه حسین شکرکن. تهران: رشد.
- احمدی، تیمور؛ مجید شفیعی امیری، آمنه رضایی و سمیه نعمتی (1389/الف). «بررسی نقش حجاب بر عزت نفس و سلامت روانی دانشجویان دختر». مجموعه مقالات همایش ملی حجاب حسن برتر. مازندران، اردیبهشت.
- احمدی، خدابخش؛ زهرا بیگدلی، آزاده مرادی و فتح‌الله سیداسماعیلی (1389/ب). «رابطه اعتقاد به حجاب و آسیب‌پذیری فردی، خانوادگی و اجتماعی». علوم رفتاری، دوره چهارم، ش 2: 102-97.
- امامی، سید مجید؛ محمدکاظم طاهری و سید مجید مطهرنژاد (1393). «شبکه عوامل، زمینه‌ها و راه‌های مسئله حجاب در دانشگاه‌های ایران؛ بایسته‌های برنامه‌ریزی فرهنگی با استفاده از نظریه زمینه‌ای». فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال چهارم، ش 3: 478-451.
- ایزدی‌فرد، علی‌اکبر و حسین کاویار (1389). «پوشش حداکثری در حجاب». مجموعه مقالات همایش ملی حجاب حسن برتر، جلد اول. دانشگاه مازندران: 52-33.
- بوئزه، ماریو و روبن آردیلا (1396). فلسفه روان‌شناسی و نقد آن. ترجمه محمدجواد زارغان، ابوالحسن حقانی، عباسعلی شاملی، سید احمد رهنمایی، علی ابوترابی، محمدعباسپور و رحیم نارویی نصرتی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- تاجبخش، غلامرضا (1398). «تحلیل کیفی سبک‌های پوشش در بین دانشجویان دختر؛ مورد مطالعه: دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)». فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال نهم، ش 3: 418-403.
- جعفری، مهدی و مریم حسین‌زاده (1389). «راهکارهای اجرایی حجاب در جامعه علمی». مجموعه مقالات همایش ملی حجاب. دانشگاه مازندران. ج 2: 68-56.
- حداد عادل، غلامعلی (1384). فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی. تهران: سروش، چ دوازدهم.
- خاتمی سبزواری، سید جواد (1395). «بررسی تأثیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بر فرهنگ پوشش دانشجویان (مطالعه موردی دانشجویان زن دانشگاه حکیم سبزواری)». فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال ششم، ش 4: 600-585.
- خلیلی، رعنا و سید مهدی احمدی (1389). «تفاوت زن و مرد در مسئله حجاب». مجموعه مقالات همایش ملی حجاب حسن برتر، ج اول. دانشگاه مازندران: 170-149.
- خواجه‌نوری، بیژن؛ علی روحانی و سمیه هاشمی (1391). «گرایش به حجاب و سبک‌های متفاوت زندگی، مطالعه موردی: زنان شهر شیراز». جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، ش 47: 166-141.
- رجیبی، عباس (1389). «نقش حجاب و پوشش زن در سلامت روانی». طهورا، سال سوم، ش 6: 36-13.

123 ◆ امیر قربان پور لقمجانی وهمکاران

- زارعی توپخانه، محمد؛ خدیجه مرادیانی گیزرود و عباسعلی هراتیان(1393). «**رابطه بین متغیرهای پایبندی به حجاب، تصور از خود و سلامت روان**». *روان‌شناسی دین*، سال هفتم، ش 3: 81-92.
- سالاری‌فر، محمدرضا؛ مسعود آذربایجانی، محمد کاویانی، سید مهدی موسوی اصل، اکبر عباسی و محمدتقی تیک(1393). *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سفیدی، فاطمه؛ فاطمه قدیمی، رویا مافی و مریم طاهرپور(1392). «**تأثیر رعایت حجاب بر عزت نفس در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین**». *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، دوره سوم، ش 7: 217-228.
- شارع‌پور، محمود؛ سیده زینب تقوی و مهدی محمدی(1392). «**تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب**». *مطالعه موردی: گرایش به حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه مازندران*. *تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره پنجم، ش 3: 1-29.
- شجاعی، محمدصادق(1399). *روان‌شناسی در قرآن و حدیث*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شعبانی فرامرزی، آسیه و آمنه شعبانی فرامرزی(1389). «**حجاب و سلامت روانی در زنان**». *مجموعه مقالات همایش ملی حجاب حسن برتر*، ج دوم. دانشگاه مازندران: 83-109.
- صادق‌نسب، حمیدرضا(1389). «**نگاهی به تاریخچه حجاب**». *مجموعه مقالات همایش ملی حجاب*. دانشگاه مازندران، ج 2: 159-172.
- صفاری‌نیا، مجید(1389). *روان‌شناسی اجتماعی در تعلیم و تربیت*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- صفرزاده، سحر(1389). «**نقش حجاب زنان در سلامت روانی اجتماع و راهکارهای مقابله‌ای با فرهنگ بدحجابی**». *زن و فرهنگ*، ش 1(2): 59-72.
- طیبی‌نیا، موسی و حبیب احمدی(1392). «**مدل‌یابی معادلات ساختاری حجاب و عفاف**». *زن و جامعه*، سال چهارم، ش 4: 45-66.
- عابدی، حیدرعلی(1388). «**کاربرد روش تحقیق پدیده‌شناسی در علوم بالینی**». *راهبرد*، سال نوزدهم، ش 54: 207-224.
- عظیمیان، مریم و سعید بهشتی(1388). «**بررسی فلسفه و قلمرو حجاب در اسلام و آثار تربیتی آن**». *تربیت اسلامی*، دوره هشتم، ش 8: 75-103.
- علوی، حمیدرضا و رضیه حجتی(1386). «**بررسی عوامل مؤثر بر بدحجابی دختران دانشگاه شهید باهنر کرمان**». *تربیت اسلامی*، سال دوم، ش 4: 63-88.
- کاوندی، سحر، غلامحسین انتصار فومنی(1389). «**رابطه حجاب با سلامت روانی و مصونیت اجتماعی**». *بانوان شیعه*، سال هفتم، ش 25: 47-63.
- کرسول، جان دلبیو(1396). *پویش کیفی: انتخاب از میان پنج رویکرد*. ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی. تهران: صفار.

124 ♦ بررسی نقش دیدگاه انسان‌شناختی دانشجویان دختر در انتخاب نوع حجاب

- کریمی، یوسف (1394). روان‌شناسی اجتماعی. تهران: ارسباران.
- گرامی، عبدالحسین (1387). انسان در اسلام. قم: نشر معارف.
- گرمجیان، جواد و احمد فولادیان (1392). «بررسی رابطه هویت فرهنگی و اجتماعی با اعتقاد به حجاب در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد». *فقه و تاریخ تمدن*، سال نهم، ش 35.
- محمدی آشنانی، علی (1378). حجاب در ادیان الهی. قم: یاقوت، چ دوم.
- مصباح، محمدتقی (1391). پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- ملازمانی، علی و علی فتحی آشتیانی (1387). «تأثیر آموزش به شیوه ایفای نقش بر بهبود تصور از خود نوجوانان». *علوم رفتاری*، دوره دوم، ش 1: 66-61.
- مولایی، جابر و شهلا یوسف‌وند (1393). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب؛ مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور شهر آبدانان». *زن و جامعه*، سال پنجم، ش 3: 46-35.
- میریام، شاران بی و الیزابت جی تیزدل (1398). پژوهش کیفی: راهنمای طراحی و کاربست. ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس. تهران: سمت.
- واعظی، احمد (1385). انسان از دیدگاه اسلام. تهران: سمت.
- یوهانسون، ثور (1393). دین و معنویت در روان‌درمانی و مشاوره. ترجمه فرید براتی سده. تهران: رشد.
- Abedi, Haidar Ali (2009). "Applying Phenomenological Method of Research in Clinical Sciences". *Strategy*, 18(1): 208-224.
- Ahmadi, Khodabakhsh; Zahra Bigdeli, Azadeh Moradi & Fathullah Sayyed Ismaili (2010). "The relationship between belief in hijab and individual, family and social vulnerability". *Journal of Behavioral Sciences*, Vol. 4, No. 2: 97-102.
- Ahmadi, Timur; Majid Shafiee Amiri, Amene Rezaei & Somayeh Nemati (2010). "Study of the role of hijab on self-esteem and mental health of female students". *Proceedings of the National Conference on Hijab Hosne Bartar*. May, Mazandaran.
- Alavi, S. & R. Hojjaty (2007). "Factors affecting the bad veiling of Kerman Shahidbahonar University girls". *Journal of Islamic Education*, 2(4): 63-88.
- Aronson, Elliott (2003). *Social Psychology*. Translated by Hussein Shokrkon. Tehran: Roshd Publications.
- Azimian, M. & S. Beheshti (2009). "The Philosophy and Realm of Hejab in Islam and its Educational Effects". *Journal of Islamic Education*, 4(8): 75-103.
- Bhui, K.; Y. Khatib, R. Viner, E. Klineberg, C., Clark, J. Head & S. Stansfeld (2008). "Cultural identity, clothing and common mental disorder: A prospective school-based study of white British and Bangladeshi

- adolescents". *Journal Epidemiol Community Health*, 62(5): 435-441. doi:10.1136/jech.2007.063149.
- Bonje, Mario & Ruben Ardilla (2017). **Philosophy of Psychology and its Critique**. Translated by Mohammad Javad Zarean, Abolhassan Haqqani, Abbas Ali Shameli, Seyed Ahmad Rahnamaei, Ali Abu Turabi, Mohammad Abbaspour and Rahim Naroui Nosrati. Qom: Research Institute and University.
 - Creswell, John W. (2017). **Qualitative scan: Choose from 5 approaches**. Translated by Hassan Danaeifard and Hossein Kazemi. Tehran: Saffar Publications.
 - Dunkel, T.; D. Davidson & S. Qurashi (2010). **"Body satisfaction and pressure to be thin in younger and older Muslim women and non-Muslim women: The role of Western and non-Western dress preferences"**. *Body Image*, 7(1): 56-65. DOI: 10.1016/j.bodyim.2009.10.003. Epub 2009 Nov 28.
 - Eaton, N.R. (2015). **"Hijab, religiosity, and psychological wellbeing of Muslim women in the United States"**. *Journal of Muslim Mental Health*, 9(2).
 - Emami, Seyed Majid; Mohammad Kazem Taheri & Seyed Majid Motaharnejad (2014). **"Analyzing the Veiling Issue (Hijab) in Iranian Universities with Emphasis on Cultural Planning"**. *Culture in the Islamic University*, 4(12): 451-477.
 - Fayyaz, W. & A. Kamal (2014). **"Practicing hijab (veil): A source of autonomy and self-esteem for modern Muslim women"**. *The Journal of Humanities and Social Sciences*, 22(1): 19.
 - Garmjian, Javad & Ahmad Fooladian (2013). **"Investigating the Relationship between Cultural and Social Identity with Belief in Hijab among Students of Islamic Azad University, Mashhad Branch"**. *Jurisprudence and History of Civilization*, Vol. 9, Issue 35.
 - Gerami, Abdul Hussein (2008). **Man in Islam**. Qom: Maaref Publishing.
 - Haddad Adel, Gholam Ali (2005). **Culture of Nudity and Cultural Nudity**. Twelfth Edition, Soroush Publishing.
 - Izadi Fard, Ali Akbar & Hussein Kaviar (2010). **"Maximum coverage in hijab"**. Proceedings of the National Conference on Hijab Hosne Bartar. Vol. I. Mazandaran University: 33-52.
 - Jafari, Mehdi & Maryam Hosseinzadeh (2010). **"Executive strategies of hijab in the scientific community"**. *Proceedings of the National Conference on Hijab*. Mazandaran University, Vol. 2: 56-68.
 - Johansson, Thor (2014). **Religion and spirituality in psychotherapy and counseling**. Translated by Farid Barati Sedeh. Tehran: Roshd Publications.
 - Karimi, Yousef (2015). **Social Psychology**. Tehran: Arasbaran Publishing.

- Kavandi, Sahar & Gholam Hossein Entesar Foumani (2010). **“The relationship between hijab and mental health and social immunity”**. *Shiite Women*, Vol. 7, Issue 25: 47-63.
- Khajenoori, B.; A. Ruhani & S. Hashemi (2012). **“Tendency towards Veil and Different Lifestyles Case Study: Shiraz Women”**. *Journal of Applied Sociology*, 23(3): 141-166.
- Khalili, Rana & Seyed Mehdi Ahmadi (2010). **“The difference between men and women in the issue of hijab”**. *Proceedings of the National Conference on Hijab Hosne Bartar*, Vol. 1. Mazandaran University: 149-170.
- Khatami Sabsevari, S. (2016). **“Investigating the effect of mass media use on students' clothing culture (Case study of female students of Hakim Sabzevari University)”**. *Culture in the Islamic University*, 6(21): 585-600.
- Mesbah, Mohammad Taqi (2012). **Prerequisites of Islamic management**. Qom: Publications of Imam Khomeini Research and Training Institute.
- Miryam, Sharan B. & Elizabeth J. Tizdel (2019). **Qualitative research: design and application guide**. Translated by Alireza Kiamanesh & Maryam Danaye Toos. Tehran: Samat.
- Mohammadi Ashnani, Ali (1999). **Hijab in Divine Religions**. Qom: Yaghoot Publishing, Second Edition.
- Mohammadi, F. (2020). **“To Wear or Not to Wear the Hijab Online (A Study of the Identity Performances of Muslim Canadian Women on Facebook)”**. *Journal of Cyberspace Studies*, 4(2): 81-160.
- Molayee, Jaber & Shahla Yousefvand (2014). **“Sociological Study of Factors Affecting the Orientation towards the Veil (Case Study: Female Students of Payam Nour University in Abdanan)”**. *Quarterly Journal of Women and Society*, 5(19): 35-46.
- Mollazmani, Ali & Ali Fathi Ashtiani (2008). **“The effect of education by playing a role on improving adolescents' self-image”**. *Behavioral Sciences*, Vol. II, No. 1: 61-66.
- Mussap, A.J. (2009). **“Strength of faith and body image in Muslim and non-Muslim women”**. *Mental Health, Religion & Culture*, 12(2): 121-127. <https://doi.org/10.1080/13674670802358190>.
- Pasha-Zaidi, N. (2015). **“The Hijab Effect: An exploratory study of the influence of hijab and religiosity on perceived attractiveness of Muslim women in the United States and the United Arab Emirates”**. *Ethnicities*, 15(5): 742-758.
- Rajabi, Abbas (2010). **“The role of hijab and covering women in mental health”**. *Tahora*, 3(6): 13-36.
- Rastmanesh, Reza; Marci E. Gluck & Zhaleh Shadman (2009). **“Comparison of Body Dissatisfaction and Cosmetic Rhinoplasty with levels**

- of Veil Practicing in Islamic Women**". *Journal of Eating Disorder*, 42(4): 339-345.
- Rita, A.A. (2017). "Assertion of wearing hijab in the community: An analysis". *American Scientific Research Journal for Engineering, Technology, and Sciences*, 29(1): 340-347.
 - SadeghNasab, Hamid Reza (2010). "A look at the history of hijab". *Proceedings of the National Conference on Hijab*. Mazandaran University, Vol. 2: 159-172.
 - Safarzadeh, Sahar (2010). "The role of women's hijab in the mental health of society and strategies to deal with the bad culture of hijab". *Women and culture*, 1(2): 59-72.
 - Saffarinia, Majid (2010). **Social Psychology in Education**. Tehran: Payame Noor University Press.
 - Salarifar, Mohammad Reza; Massoud Azerbaijani, Mohammad Kaviani, Seyed Mehdi Mousavi Asl, Akbar Abbasi & Mohammad Taqi Tabik (2014). **Social psychology with an attitude towards Islamic sources**. Tehran: Research Center and University.
 - Saldaña, J. (2013). **The coding manual for qualitative researchers**. Sage.
 - Sefidi, Fatima; Fatima Ghadimi, Roya Mafi & Maryam Taherpour (2013). "The Effect of Hijab on Self-Esteem among the Students of Qazvin University of Medical Sciences". *Culture in the Islamic University*, 3(7): 217-228.
 - Shabani Faramarzi, Asié & Amene Shabani Faramarzi (2010). "Hijab and mental health in Women". *Proceedings of the National Conference on Hosne Bartar Hijab*, Vol. II. University of Mazandaran: 83-109.
 - Sharepour, M.; Z. Taghawi & M. Mohammadi (2013). "A Sociological Analysis on the Effective factors in Tends to Hijab". *Journal of Iranian Cultural Research*, 5(3): 1-29. doi: 10.7508/ijcr.2012.19.001.
 - Shojaei, Mohammad Sadegh (2020). **Psychology in the Quran and Hadith**. Qom: Research Institute and University.
 - Swami, V.; J. Miah, N. Noorani & D. Taylor (2014). "Is the hijab protective? An investigation of body image and related constructs among British Muslim women". *British Journal of Psychology*, 105(3): 352-363.
 - Tajbakhsh, G. (2019). "Qualitative Analysis of Coverage Styles among Female Students of the Ayatollah Broujerdi University". *Culture in the Islamic University*, 9(32): 403-418.
 - Taybinia, Musa & Habib Ahmadi (2013). "Modeling the structural equations of hijab and chastity". *Journal of Women and Society*, Vol. 4, No. 4: 45-66.
 - Tiba, E. (2012). **Self-concept in Muslim adolescent girls: Hijab and the school experience**. Doctoral dissertation, The Ohio State University.

- Waezi, Ahmad (2006). **Man from the perspective of Islam**. Tehran: Samt Publications.
- Zarei Topkhaneh, Mohammad; Khadijeh Moradiani Gizrood & Abbas Ali Heratian (2014). **“The relationship between the variables of adherence to hijab, self-concept and mental health”**. *Psychology and religion*, 7(3): 81-92.

